

تعهدات خریدار در بیع بین‌المللی مطالعه‌ای تحلیلی در رویه قضایی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا*

لاری ای. دیمتو، لوسین جی. دووگ، استفانی گرین،
ویرجینیا جی. مائورر، و ماریسا آنه پاگناتارو**
ترجمه: ماشاء الله بناء نیاسری***

تعهدات خریدار در قراردادهای مشمول کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا محور این نوشتار است. با لحاظ اینکه حق فسخ قرارداد در کنوانسیون به‌طور محدود پیش‌بینی شده است، تکالیف سنگین متعددی از جمله تعهد به بازرسی کالا، تعهد به اطلاع عدم انطباق کالا به فروشنده، تعهد به اطلاع فسخ قرارداد به فروشنده، تعهد به حفظ و نگاهداری کالا در صورت رد مبیع، تعهد به تأدیه ثمن، و تعهد به تسلّم مبیع برعهده خریدار قرار دارد. در نوشته حاضر، بررسی می‌نماییم که محاکم و مراجع داوری تعهدات مصرّح در کنوانسیون را چگونه تعبیر کرده‌اند.

*. این مقاله ترجمه فصل پنجم از کتاب زیر است:

Larry A. DiMatteo, Lucien J. Dhooge, Stephanie Greene, Virginia G. Maurer, and Marisa Anne Pagnattaro, *International Sales Law: A Critical Analysis of CISG Jurisprudence*, Cambridge University Press, First Published 2005, Chapter Five, PP. 76-100.

** نویسنده‌گان به ترتیب عبارتند از: دانشیار حقوق در دانشگاه فلوریدا، دانشیار حقوق بازرگانی در دانشگاه پسیفیک، استادیار حقوق بازرگانی در کالج حقوق بُستون، استاد حقوق بازرگانی در دانشگاه فلوریدا، و استادیار حقوق در کالج بازرگانی دانشگاه جورجیا.

*** دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی.

الف - تعهد به بازرسی کالا، اعلام عدم انطباق کالا به فروشنده، و حفظ و نگاهداری کالا

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا خریدار را ملزم می‌داند مبیع را بازرسی نموده، و هرگونه عیب یا نقصی را که در ایفای تعهدات بایع وجود دارد، به‌نحو کافی و به‌موقع اطلاع دهد، و چنانچه درصدد رد کالای تسلیمی بایع است کالا را [تا زمان استرداد به بایع] حفظ و نگاهداری نماید. این تعهدات در مواد ۳۸، ۳۹، ۴۴، و ۸۶ کنوانسیون بیان شده است. نخستین تعهد هر خریدار، الزام به بازرسی مبیع است. ماده ۳۸ کنوانسیون مقرر می‌دارد که خریدار «مکلف است ظرف کوتاهترین زمان ممکن در آن اوضاع و احوال کالا را [شخصاً] بازرسی نموده یا شخص دیگری را مأمور این کار نماید».^۱ در صورتی که قرارداد متضمن حمل کالا یا تغییر مسیر و مقصد کالای در حال حمل است، قواعد خاصی حکومت می‌کند. در فرضی که قرارداد متضمن حمل کالا می‌باشد، ممکن است بازرسی به پس از واصل شدن کالا به مقصد موکول گردد.^۲ در مقام مقایسه، در صورتی که خریدار مسیر و مقصد کالای در حال حمل را تغییر داده یا کالا را پس از واصل شدن، مجدداً به مقصد دیگری ارسال می‌نماید، بازرسی ممکن است تا پس از رسیدن کالا به مقصد نهایی به تعویق افتد.^۳ مع‌ذلک، در این موارد بازرسی کالا صرفاً در صورتی ممکن است به تعویق افتد که بی‌آنکه «فرصت متعارفی» برای بازرسی کالا وجود داشته باشد، مسیر و مقصد کالای در حال حمل تغییر یابد، یا کالا مجدداً به مقصد دیگری ارسال شود.^۴ وانگهی، خریدار باید ثابت نماید بایع در زمان انعقاد قرارداد از احتمال تغییر مسیر و مقصد کالای در حال حمل یا ارسال مجدد کالا اطلاع داشته یا می‌باید اطلاع می‌داشت.^۵

عدم رعایت مقررات ماده ۳۸ حق خریدار را جهت توسل به دفاع عدم انطباق کالا در دعوایی که احتمالاً در آینده علیه فروشنده اقامه نماید، ساقط خواهد کرد. همچنین، خریدار چنانچه در اطلاعی که ظرف مهلت متعارف به بایع می‌دهد «نوع عدم انطباق» را مشخص نسازد، این وسیله دفاعی را از دست می‌دهد.^۶ مهلت اعلام عدم انطباق کالا به فروشنده، از زمان کشف واقعی عیب یا نقص کالا، یا از زمانی که خریدار باید عیب یا نقص کالا را کشف می‌کرد، شروع به جریان می‌نماید.^۷ به هر تقدیر، چنانچه «حداکثر ظرف مهلت دو سال از تاریخی که کالا به‌طور مادی به قبض خریدار داده شده است»، خریدار عیب یا نقص کالای تسلیمی را به بایع اطلاع

1. United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, April 11, 1980, 1489 U.N.T.S. 3, 19 I.L.M. 671, (hereinafter CISG) at Art. 38(1).

2. *Id.* at Art. 38(2).

3. *Id.* at Art. 38(3).

4. *Id.*

5. *Id.*

6. *Id.* Art. 39(1).

7. *Id.*

ندهد، دیگر حق نخواهد داشت به عدم انطباق کالا با قرارداد استناد نماید.^۸ این مهلت زمانی دو ساله، تاحدی که با هرگونه گارانتی مقرر در قرارداد بیع منافات داشته باشد، قابل اعمال نخواهد بود.^۹ به علاوه، چنانچه خریدار در خصوص عدم اعلام عیب یا نقص کالا عذر موجهی ارائه دهد، حق تقلیل ثمن قابل پرداخت به بایع، یا حق مطالبه خسارات به استثنای عدم النفع را دارا خواهد بود.^{۱۰}

خریدار در مقابل حقی که جهت رد کالای غیر منطبق دارا است، متقابلاً متعهد است کالای موصوف را به حساب فروشنده حفظ و نگاهداری کند. ماده ۸۶ کنوانسیون مقرر می نماید خریدار مکلف است به منظور حفظ و نگاهداری کالا اقداماتی را که «در آن شرایط متعارف است» معمول دارد.^{۱۱} خریدار حق دارد هزینه های ضروری را که جهت حفظ و نگاهداری کالا متحمل شده، از بایع مطالبه کند و همچنین حق حبس کالا را تا زمان وصول این هزینه ها دارا است.^{۱۲} چنانچه بایع مبیع را به قبض خریدار داده و خریدار متعاقب قبض آن مایل به رد کالای مزبور باشد، مکلف است کالا را به حساب بایع در قبض خود نگاه دارد.^{۱۳} تعهد خریدار در این مورد مشروط بر این است که خریدار قادر باشد کالا را بدون تأدیه ثمن قبض نماید و نیز «مشقت یا هزینه نامتعارفی» بر او تحمیل نشود.^{۱۴} در صورتی که بایع یا شخصی که از جانب او مأذون است بر کالا استیلاء یابد، در زمان واصل شدن کالا در مقصد حاضر باشد، تعهداتی که ماده ۸۶ برعهده خریدار می گذارد، قابل اعمال نخواهد بود.^{۱۵}

8. *Id.* Art. 39(2).

9. *Id.*

10. *Id.* Art. 44.

11. *Id.* Art. 86(1).

12. *Id.*

13. *Id.* Art. 86(2).

14. *Id.*

15. *Id.*

۱- حقوق و تعهدات ناظر به بازرسی کالا: بررسی ماده ۳۸ کنوانسیون^{۱۶}

آن دسته از دادگاه‌های داخلی که به تفسیر مقررات کنوانسیون راجع به بازرسی کالا، اعلام عدم انطباق کالا به فروشنده، و حفظ و نگاهداری کالا پرداخته‌اند، به سه مسئله که در مورد ماده ۳۸ مطرح است، توجه خاصی می‌ذول داشته‌اند. این مسائل عبارتند از مهلت زمانی که خریدار موظف است ظرف آن کالا را بازرسی نماید؛ دومین مسئله این است که مقصود از بازرسی کافی چیست؟ و سه دیگر، مسئله صحت و نفوذ شروط قراردادی است که مقررات کنوانسیون را در خصوص بازرسی کالا توسط خریدار تغییر دهد.

نخستین مسئله‌ای که دادگاه‌های داخلی در خصوص ماده ۳۸ مورد توجه قرار داده‌اند، مهلت زمانی است که خریدار موظف است ظرف آن کالایی را که از فروشنده اکتیفا نموده، بازرسی نماید. بند (۱) ماده ۳۸ کنوانسیون لازم می‌شمارد که بازرسی کالا «ظرف کوتاه‌ترین زمان ممکن در آن اوضاع و احوال» صورت پذیرد.^{۱۷} این بند مهلت معینی را مقرر نمی‌دارد که لازم باشد بازرسی مزبور ظرف آن مهلت انجام گیرد تا خریدار مختار به رد کالا به استناد عدم انطباق باشد؛^{۱۸} بلکه به نظر می‌رسد مهلتی که ظرف آن بازرسی کالا باید صورت گیرد، برحسب اوضاع و احوال خاص هر مورد متغیر است.^{۱۹} نویسندگان به درستی متذکر شده‌اند «عبارت این بند ظاهراً مفهم این معنا است که کوتاه‌ترین زمان ممکن برای بازرسی یک دستگاه پیچیده که خریداری در یک شهر دورافتاده واقع در یک کشور در حال توسعه دریافت می‌کند، چه بسا متفاوت باشد با کوتاه‌ترین زمان ممکن برای بازرسی کالایی از نوع دیگر که خریداری باتجربه در یک شهر

۱۶. ماده ۳۸ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «(۱) خریدار مکلف است ظرف کوتاه‌ترین زمان ممکن با توجه به اوضاع و احوال، کالا را [شخصاً] بازرسی نموده، یا شخص دیگری را مأمور این کار نماید.

(۲) چنانچه قرارداد متضمن حمل کالا نیز باشد، بازرسی ممکن است تا پس از وصول کالا به مقصد به تعویق افتد.
(۳) چنانچه خریدار مسیر و مقصد کالای در حال حمل را تغییر دهد، یا پس از وصول کالا به مقصد، کالا را مجدداً به مقصد دیگری ارسال کند، بی‌آنکه وی فرصت متعارفی برای بازرسی کالا داشته باشد، و در زمان انعقاد قرارداد نیز بایع از احتمال تغییر مسیر و مقصد کالای در حال حمل یا ارسال مجدد کالا اطلاع داشته یا می‌بایست اطلاع می‌داشت، در این صورت امر بازرسی کالا ممکن است تا پس از وصول کالا به مقصد جدید به تعویق افتد».

17. *Id.* Art. 38(1).

18. Herbert Bernstein & Joseph Lookofsky, *Understanding the Convention on the International Sale of Goods in Europe* 4-9 (2d ed. 2002);

همچنین رک.

Joseph Lookofsky, *In Dubio Pro Convention? Some Thoughts About Opt-Outs, Computer Programs and Preemption Under the 1980 Vienna Sales Convention*, 13 *Duke J. Comp. & Int'l L.* 263, 269 (2003).

۱۹. برای دیدن انتقاد از تفسیر موسع مهلتی که براساس ماده ۳۸ بازرسی کالا باید صورت پذیرد رک.
Amy H. Kastely, *Reflections on the International Unification of Sales Law: Unification and Community: A Rhetorical Analysis of the United Nations Sales Convention*, 8 *Nw. J. Int'l L. & Bus.* 574, 618-19 (1988).

صنعتی بزرگ دریافت می‌دارد».^{۲۰} این نظر از سوی پاره‌ای از نویسندگان که از لزوم ارائه تفسیری یکنواخت از ماده ۳۸ حمایت می‌کنند، مورد انتقاد قرار گرفته است.^{۲۱} در مقابل، برخی نویسندگان منعطف بودن مهلت بازرسی را ستوده‌اند؛ بدین لحاظ که این انعطاف‌پذیری به‌منظور پیشبرد اجرای کنوانسیون در کشورهای در حال توسعه که به علت فقدان تشکیلات زیربنایی یا دورافتادگی جغرافیایی، دچار ضعف امکانات ارتباطی هستند، امری محتوم جلوه می‌کند.^{۲۲}

در آرای دادگاه‌های داخلی نیز بر لزوم انعطاف‌پذیری مهلت بازرسی صحنه گذاشته شده و از آن حمایت شده است. تفسیری که در سوئیس از ماده ۳۸ کنوانسیون ارائه شده بر این نکته اشارت دارد که دادگاه‌ها در تعیین مهلتی که لازم است بازرسی کالا صورت گیرد باید نوع کالا، کمیت، بسته‌بندی آن و کلیه شرایط دخیل دیگر را لحاظ نمایند.^{۲۳} این تفسیر در رأی یکی از دادگاه‌های امریکا نیز تکرار شده است. در این رأی، دادگاه امریکایی خاطر نشان نمود که در تعیین مهلت بازرسی باید فقدان اشباه و نظایر و قیمی بودن کالای مورد نظر، روش تسلیم کالا (از جمله تسلیم کالا به‌دفعات)، و آشنایی یا عدم آشنایی کارگران خریدار با کالا را ملحوظ نظر قرار داد.^{۲۴} دادگاه‌هایی که این نظر را اختیار کرده‌اند متذکر شده‌اند که خریدار می‌تواند دلیلی ارائه نماید دائر بر اینکه به علت وجود شرایط خاص، بازرسی نمی‌توانسته است به‌نحو دقیق صورت گیرد.^{۲۵} هر چند در کنوانسیون صریحاً مقرر نشده است، با این همه خریداری که در پی مهلت اضافی برای بازرسی کالا است باید ثابت نماید که به چه علت اعطای مهلت اضافی بدین منظور لازم است.^{۲۶}

20. Alejandro M. Garro, Reconciliation of Legal Traditions in the U.N. Convention on Contracts for the International Sale of Goods, 23 Int'l L. 443 (1989).

۲۱. به‌عنوان نمونه رک.

Franco Ferrari, Uniform Interpretation of the 1980 Uniform Sales Law, 24 Ga. J. Int'l & Comp. L. 183 (1994); Sunil R. Harjani, The Convention on Contracts for the International Sale of Goods in United States Courts, 23 Hous. J. Int'l L. 49 (2000).

22. Lisa M. Ryan, The Convention on Contracts for the International Sale of Goods: Divergent Interpretations, 4 Tul. J. Int'l & Comp. L. 99, 111 (1995).

23. Obergericht Kanton Luzern, SJZ 94 515-18, Nov. 30, 1998.

24. Shuttle Packaging Sys. v. Jacob Tsonakis, INA, S.A., No. 1:01-CV-691, 2001 U.S. Dist. LEXIS 21630, (W. D. Mich. Dec. 17, 2001).

۲۵. به‌عنوان نمونه رک.

OLG Koblenz, 14 S 358/94, Jul. 7, 1995(F.R.G.), available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/950707g1.html>.

26. HG Zürich, SZIER 930634/O, Nov. 30, 1998, (Switz.), available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/981130s1.html>.

مع الوصف، این تفسیر منعطف که مهلت بازرسی را برحسب اوضاع و احوال متغیر می‌داند، در سراسر جهان مقبول نیافتاده است؛ بلکه در مقابل، بخش اعظم رویه قضایی با حمایت از تفسیری که قائل به انعطاف‌پذیری کمتر در خصوص تعهد بازرسی است، تفسیر فوق‌الذکر را کنار نهاده است.^{۲۷} این دسته از دادگاه‌ها، در مقام تعیین اینکه آیا بازرسی ظرف کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت گرفته است یا خیر، دو رویه متفاوت در پیش گرفته‌اند. براساس رویه نخست، [به‌منظور پذیرش مهلت اضافی] لازم است خریدار عسر و حرج خاصی را که پیش از تقاضای مهلت اضافی برای بازرسی وجود داشته باشد، ثابت نماید. این دسته از محاکم بر این مبنا که خریدار با عسر و حرجی مواجه نبوده است، از پذیرش مهلت اضافی جهت انجام بازرسی کالا خودداری کرده‌اند. دادگاه‌هایی که این نظر را برگزیده‌اند عواملی همچون سهولت امر بازرسی در زمان تسلیم کالا،^{۲۸} یا ظاهر بودن عیب یا نقص مورد ادعا، مانند سهل‌الروی بودن عیب یا نقص و اختلاف و ناهمخوانی در رنگ و وزن کالاها را مد نظر قرار داده‌اند.^{۲۹} فقدان اشیاء و نظایر برای کالا، ماهیت پیچیده کالا، تسلیم کالا به‌دفعات، و نیاز به آموزش کارگران خریدار جهت بهره‌برداری از کالا نیز دشواری‌های خاصی را بر خریدار تحمیل می‌کند و دلایل موجّهی برای وجود مهلت بیشتر برای انجام امر بازرسی کالا توانند بود.^{۳۰} وانگهی، دخل و تصرف نهایی در کالا پس از تسلیم نیز عاملی

27. OLG Düsseldorf Recht der Internationalen Wirtschaft [RIW] 1050-51, Feb 10, 1994 (F.R.G.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/940210g1.html>; Rheinland Versicherungen v. Atlarex S.r.l., Trib. Di Vigevano, July 12, 2000, n.405, available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/000712i3.html>.

برای دیدن انتقاد از تفسیر مضیق دادگاه‌های آلمان از ماده ۳۸ کنوانسیون رک.

Michael Joachim Bonell & Fabio Liguori, The United Nations Convention on the International Sale of Goods: A Critical Analysis of Current International Case Law (Part II), 1 Uniform L. Rev. 359, 360 (1996);

همچنین رک.

Danielle Alexis Thompson, Translation of Oberlandesgericht Karlsruhe Decision of 25-06-1997 including Commentary – Buyer Beware: German Interpretation of the CISG has Led to Results Unfavorable to Buyers, 19 J.L. & Com. 245, 254-57 (2000).

۲۸. به‌عنوان نمونه رک.

Handelsagentur v. DAT-SCHAUB A/S, Mar. and Commercial Ct. of Copenhagen, n. H-0126-98, Jan. 31, 2002 (Den.), available at <http://www.cisg.dk/shd310102.htm>; OLG Düsseldorf, Recht der Internationalen Wirtschaft [RIW], 1050-51, Feb 10, 1994 (F.R.G.), available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/940210g1.html>.

29. HG Zürich, HG 930634/O, Nov. 30, 1998, (Switz.), available at <http://www.cisg.law.pace.edu/wais/db/cases2/981130s1.html>.

۳۰. به‌عنوان نمونه رک.

Shuttle Packaging Sys. v. Jacob Tsonakis, INA, S.A., No. 1:01-CV-691, 2001 U.S. Dist. LEXIS 21630, (W. D. Mich. Dec. 17, 2001).

است که ممکن است در این رسیدگی مؤثر افتد. دادگاه‌های دو کشور بلژیک و هلند که برای عامل اخیرالذکر اهمیت فراوانی قائل شده‌اند، با آنکه لازم دانسته‌اند بازرسی پیش از شروع به فرآوری کالا، تبدیل کالا، یا ادغام و امتزاج آن با کالایی دیگر در فرایند تولید صورت پذیرد، لیکن مهلت‌های معینی را برای انجام امر بازرسی کالا مشخص نساخته‌اند.^{۳۱}

در مقابل، دسته دیگری از دادگاه‌ها در خصوص انجام امر بازرسی توسط خریدار مهلت‌های معینی را برقرار کرده، و بالاخص در مورد کالاهای فاسدشدنی از وجود یک فرجه زمانی معین برای انجام بازرسی کالا حمایت نموده‌اند. در مورد کالاهای فاسدشدنی، دادگاه‌های داخلی لازم دانسته‌اند که بازرسی بلافاصله پس از تسلیم مبیع به خریدار صورت پذیرد.^{۳۲} این نظر با توجه به آثار و تبعاتی که تأخیر در بازرسی این‌گونه کالاها به همراه دارد، معقول می‌نماید. با وجود این بعضی از دادگاه‌های داخلی لزوم بازرسی به محض تسلیم کالا را به مورد کالاهای غیرفاسدشدنی نیز تسری داده‌اند.^{۳۳} دادگاه‌های دو کشور آلمان و سوئیس با اعطای یک هفته

31. Silver Int'l v. Pochon Tissage, S.A., Rechtbank van Koophandel, Kortrijk, A.R 651/97, June 27, 1997, (Belg.), available at <http://www.cisg.kuleuven.ac.be/int/tradelaw/WK/1997-06-27.htm>; Nurka Furs/Nertsenfokkerij De Ruiter, HOF Hertogenbosch [HOF][District Court of Appeal], Dec. 15, 1997, NIPR 201 (Neth.), available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/971215n1.html>; CME Coop. Mar. Etaploise/Bos Fishproducts, Rb. Zwolle, Mar. 5, 1997, NIPR 230 (Neth.), available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/970305n1.html>.

۳۲. به‌عنوان نمونه رک.

OLG Saarbrücken, 1 U 703/97-143, June 3, 1998, (F.R.G.), available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/980603g1.html>;

(در دعوی فوق، قرارداد راجع به فروش گل بود).

OLG Düsseldorf, 17 U 82/92, Jan. 8, 1993, (F.R.G.), available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/930108g1.html>;

(در دعوی فوق، قرارداد راجع به فروش خیار بود).

CME Coop. Mar. Etaploise/Bos Fishproducts, Rb. Zwolle, Mar. 5, 1997, NIPR 230 (Neth.) available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/970305n1.html>;

(در دعوی فوق، قرارداد راجع به فروش ماهی بود).

Fallini Stefano & Co./Foodik, Rb. Roermond, Dec. 19, 1991, NIPR 394 (Neth.), available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/911219n1.html>.

(در دعوی فوق، قرارداد راجع به فروش پنیر بود).

۳۳. به‌عنوان نمونه رک.

OLG Karlsruhe, 1 U 280/96, June 25, 1997, (F.R.G.), available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/970625g1.html>; OLG München, 7 U 3758/94 Feb. 8, 1995, (F.R.G.), available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/950208g4.html>; LG Aachen, 41 O 198/89 Apr. 3, 1990, (F.R.G.), available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/900403g1.html>.

مهلت به خریدار از تاریخ تسلیم مبیع، جهت انجام عمل بازرسی، موضع ملایمتری را اتخاذ کرده‌اند.^{۳۴}

دادگاه‌های داخلی همچنین به مهلتی که خریدار موظف است ظرف آن مهلت در صورت تغییر مسیر و مقصد کالای در حال حمل یا ارسال مجدد کالا به مصرف‌کننده نهایی، کالا را بازرسی کند، نیز اشاره نموده‌اند. به نظر می‌رسد بند (۳) ماده ۳۸ کنوانسیون در فرضی که اوضاع و احوال محیط بر مورد، همچون نیاز به بازکردن بخش عمده‌ای از بسته‌بندی کالا پیش از بازرسی، امر بازرسی را غیرممکن می‌گرداند، به خریدار جهت انجام بازرسی مهلتی اعطاء می‌نماید. با این حال، ماده ۳۸ کنوانسیون اوضاع و احوالی را که در صورت وجود آن، تعویق در بازرسی ممکن می‌شود، یا مهلتی را که ظرف آن باید با واصل شدن کالا به مقصد نهایی بازرسی انجام گیرد، تعریف و تعیین نمی‌کند.

در خصوص مهلت زمان لازم برای بازرسی در فرض ارسال مجدد کالا، رویه قضایی اندکی به چشم می‌خورد. با این همه، آرای قضایی و داوری موجود در این نکته اشتراک دارند که جملگی تفسیری مضیق از بند (۳) ماده ۳۸ به دست داده‌اند. تفسیر مضیق از بند (۳) ماده ۳۸ از سه حیث قابل مشاهده است: اولاً، براساس بند (۳) ماده ۳۸ بازرسی کالا را فقط در صورتی می‌توان به تعویق انداخت که خریدار صرفاً واسطه‌ای باشد که کالا را به قصد فروش خریداری کرده، یا اینکه کالا [بی‌آنکه نخست توسط خریدار قبض شود] مستقیماً به مصرف‌کننده نهایی تسلیم گردد.^{۳۵} در مقام مقایسه، چنانچه خریدار بدون اطلاع قبلی از اینکه نهایتاً تا چه میزان، چه موقع، و به چه کسی کالا را دوباره خواهد فروخت، کالای مزبور را قبض نماید نمی‌توان امر بازرسی را به تعویق انداخت.^{۳۶} ثانیاً، چنانچه خریدار صرفاً به‌عنوان واسطه‌ای فعالیت کند که کالا را به قصد فروش خریداری کرده، یا در فرض تسلیم مستقیم کالا به استفاده‌کننده نهایی، بازرسی کالا صرفاً در صورتی ممکن است به تعویق افتد که خریدار بتواند نبود «فرصت واقعی» جهت بازرسی تمام کالا را به اثبات برساند.^{۳۷} برعکس، چنانچه تنها بخشی از کالا برای استفاده‌کننده نهایی مجدداً ارسال گردد، خریدار همچنان متعهد است آن بخش از کالا را که هنوز

۳۴. به‌عنوان نمونه رک.

OLG Koblenz, 14 S 358/94, Jul. 7, 1995, (F.R.G.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/950707g1.html#cs>; Handelsgericht Zürich, HG 930634/O, Nov. 30, 1998, (Switz.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/981130s1.html>.

35. OLG Saarbrücken, 1 U 69/92, Jan. 13, 1993, (F.R.G.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/930113g1.html>.

36. *Id.*

37. Obergericht [OG] Kanton Luzern [Appellate Court], 94 SJZ 515-18, Nov. 30, 1998, (Switz.).

در قبض خود دارد، بازرسی کند.^{۳۸} عدم انجام بازرسی به موقع، حقی را که خریدار براساس ماده ۳۸ کنوانسیون برای رد کالا به جهت عدم انطباق دارا است، ساقط می‌نماید. همچنین در صورتی که خریدار پیش از ارسال کالا برای استفاده‌کننده نهایی، کالا را فرآوری نموده یا مجدداً بسته‌بندی کرده باشد، نیز وی حق تعویق بازرسی را که براساس بند (۳) ماده ۳۸ کنوانسیون دارا است، از دست می‌دهد. نهایتاً، نکته سوم اینکه هرگونه تأخیر از سوی استفاده‌کننده نهایی در بازرسی کالا یا در اعلام عدم انطباق کالا نازل به منزله تأخیر خود خریدار بوده، و ممکن است حق استناد به ماد ۳۸ جهت رد کالا را ساقط نماید.^{۳۹}

موضوع دیگری که دادگاه‌های داخلی بدان پرداخته‌اند آن است که چه بازرسی‌ای، بازرسی متعارف به شمار می‌رود؟ خریدار ملزم نیست کالا را آنچنان بازرسی نماید که کلیه عیوب یا نقایص احتمالی کشف گردد؛ بلکه بازرسی کالا از سوی خریدار بایست با توجه به اوضاع و احوال، متعارف باشد. و این بازرسی برحسب شروط قرارداد مورد نظر، عرف تجاری، نوع کالا، و امکانات فنی و تخصص و مهارت طرفین متفاوت است.

با مطالعه آرای صادره، می‌توان چهار قاعده عمومی در خصوص میزان دقت، کمال و تمامیت بازرسی مقرر در ماده ۳۸ استخراج کرد. در وهله نخست، خریدار مکلف است برای یافتن آثار و قرائن عدم انطباق، بسته‌بندی کالا را واریسی نماید.^{۴۰} خریدار تعهد صریحی برعهده دارد دائر بر اینکه از طریق واریسی بسته‌بندی کالا، من جمله ملاحظه برچسب محصول، وزن، و تاریخ تولید، هرگونه عیب یا نقص سهل‌الرویبه را بیابد.^{۴۱} عدم کشف این قبیل عیوب یا نقایص ظاهری، حق رد کالا را که خریدار به استناد ماده ۳۸ کنوانسیون دارا است، ساقط می‌نماید. در مرحله بعد، خریدار ملزم است خود کالا را به دقت واریسی نموده و هرگونه عیب یا نقص سهل‌الرویبه (ظاهر) را کشف نماید. در آرای صادره مشخص نشده است که مقصود از عیب یا نقص ظاهر و قابل‌رؤیت چیست؟ مع‌هذا، دادگاه‌های داخلی اختلاف و ناهمخوانی در رنگ، وزن، و یکدستی کالا را در زمره عیب یا نقص ظاهر دانسته‌اند.^{۴۲} به‌علاوه، چنانچه کمیّت یا نوع و طبیعت کالا، بازرسی تمام و کمال کالا را غیرممکن سازد، خریدار از بازرسی تام و تمام کالا معاف است. مع‌الوصف، در این

38. *Id.*

39. OLG München, 7 U 3758/94 Feb. 8, 1995, (F.R.G.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/950208g4.html>.

40. Handelsagentur V. DAT-SCHAUB A/S, Mar. and Commercial Ct. of Copenhagen, n. H-0126-98, Jan. 31, 2002, (Den.), available at <http://www.cisg.dk/shd310102.htm>.

41. *Id.*

42. HG Zürich, HG 930634/O, Nov. 30, 1998, (Switz.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/981130s1.html>.

موارد خریدار کاملاً از انجام بازرسی کالا معاف نمی‌گردد بلکه ملزم است به هنگام قبض مبیع، از کالا نمونه بردارد یا کالا را بازرسی تصادفی نماید، و هرگونه عیب یا نقص ظاهر را یافته و اطلاع دهد.^{۴۳} اگر محموله‌های پیشین که از سوی همان فروشنده ارسال شده - در صورت وجود چنین محموله یا محموله‌هایی - غیرمنطبق با قرارداد بوده است، خریدار نمی‌تواند به نمونه‌برداری از کالا یا بازرسی تصادفی کالا بسنده و اعتماد نماید.^{۴۴} لازم نیست خریدار عیوب یا نقایصی را کشف نماید که فروشنده با زیرکی آنها را مخفی نگاه داشته است.^{۴۵} به هر تقدیر، بار اثبات اینکه بازرسی به‌نحو متعارف صورت گرفته است، بر دوش خریدار قرار دارد.^{۴۶}

آخرین موضوعی که دادگاه‌های داخلی در خصوص ماده ۳۸ کنوانسیون مورد بررسی قرار داده‌اند، مسئله صحت و نفوذ آن دسته از شروط قراردادی است که برخلاف تعهدات مصرح در ماده ۳۸ راجع به بازرسی کالا مورد توافق متعاقدين قرار گرفته است. نویسندگان متذکر شده‌اند که مقررات ماده ۳۸ کنوانسیون، من جمله مقررات ناظر به بازرسی کالا و لزوم اطلاع عدم انطباق کالا به فروشنده، در زمره قواعد تخییری بوده، و متعاقدين مخیرند که به شروطی متفاوت با مقررات این ماده توافق نمایند.^{۴۷} بعضی از دادگاه‌های داخلی در آرای خود به این موضوع اشاره کرده‌اند.

43. OLG Koblenz, 14 S 358/94, Jul. 7, 1995, (F.R.G.), available at [http:// cisg. law. pace. edu/ cisg/wais/db/cases2/950707g1.html#cs;](http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/950707g1.html#cs;)

(در دعوی فوق، موضوع قرارداد مواد شیمیایی بود).

Obergericht Kanton Luzern, 94 SJZ 515-18, Nov. 30, 1998.

(در دعوی فوق، موضوع قرارداد تجهیزات پزشکی بود).

44. LG Stuttgart, 3 KfH O 97/89, Aug. 31, 1989, (F.R.G.), available at [http:// cisg. law. pace. edu/cisg/wais/db/cases2/890831g1.html](http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/890831g1.html).

(در این رأی آمده: در صورت وجود عدم انطباق در نخستین محموله کفش، خریدار ملزم بوده دومین محموله کفش را که از همان فروشنده دریافت کرده، به‌طور کامل بازرسی نماید).

45. LG Trier, 7 HO 78/95, Oct. 12, 1995, (F.R.G.), available at [http:// cisg. law. pace. edu/ cisg/wais/db/cases2/951012g1.html](http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/951012g1.html).

(در این رأی آمده: اینکه فروشنده ایتالیایی مشروبات فروخته‌شده به خریدار آلمانی را عمداً با آب درآمیخته و متعاقباً آن را اختفاء نموده است، مانع می‌گردد فروشنده بتواند به عدم بازرسی کافی کالا از سوی خریدار به‌هنگام تسلّم مبیع استناد نماید).^{۴۶} به‌عنوان نمونه رک.

Obergericht [OG] des Kantons Luzern [Appellate Court], 11 95 123/357, Jan. 8, 1997, (Switz.), available at <http://cisg3.law.pace.edu/cases/970108s1.html>.

^{۴۷} به‌عنوان نمونه رک.

Peter Schlechtriem, Uniform Sales Law - The U.N. Convention on Contracts for the International Sale of Goods 72 (1986); Louis F. Del Duca & Patrick Del Duca, Tenth Biennial Conference of the International Academy of Commercial and Consumer Law: Convention on the International Sale of Goods: Selected Topics Under the Convention on International Sale of Goods, 106 Dic. L. Rev. 205, 227 (2001).

(لویس دل دوکا و پاتریک دل دوکا در مقاله فوق به فواید تعیین مهلت از سوی خود متعاقدين جهت بازرسی کالا و اعلام عدم انطباق کالا اشاره نموده، و آن را به‌عنوان راهی برای گریختن از تردیدها و اختلاف نظرات ناشی از مواد ۳۸ و ۳۹ کنوانسیون معرفی می‌نمایند).

قصد متعاقدين مبنی بر عدول از مقررات ماده ۳۸ باید به وضوح در قرارداد مورد تصریح قرار گیرد. در این خصوص، طرفی که خواهان به موقع اجرا گذاشتن چنین شرطی است باید ثابت نماید هر دو متعاقدين از قابلیت اجرای کنوانسیون بر قرارداد خود آگاه بوده، و صریحاً قصد داشته‌اند قرارداد خود را از شمول [این ماده] کنوانسیون مستثنا نمایند.^{۴۸} عبارتی که ادعا می‌شود دال بر عدول از مقررات ماده ۳۸ کنوانسیون است باید صریحاً عدم شمول مقررات این ماده را بر قرارداد پیش‌بینی نماید، و این معنا را نمی‌توان از طریق شروط مرتبطی که در قرارداد آمده، به شکل تلویحی استنباط کرد.^{۴۹}

طرفین قرارداد در پی اعلام قصد صریح خود مبنی بر عدول از مقررات ماده ۳۸ کنوانسیون، ممکن است به مهلت معینی برای انجام امر بازرسی توافق نمایند یا به مهلت زمانی که بر حسب عرف و عادت تجاری در این خصوص مستقر شده، بسنده و اتکا کنند. چنانچه متعاقدين بر مهلت معینی برای انجام بازرسی کالا به توافق برسند، اطلاع‌های لازم باید ظرف مهلت مورد توافق داده شود تا مؤثر و معتبر باشد.^{۵۰} مهلت‌های مورد توافق متعاملین که در آرای دادگاه‌های داخلی ملاحظه می‌شود، از هشت تا چهارده روز از تاریخ تسلیم کالا متغیر است.^{۵۱} وانگهی، مهلت زمان بازرسی و اطلاع عدم انطباق کالا به فروشنده ممکن است بر پایه عرف و عادت تجاری قرار داده شود.^{۵۲} به هر حال، متعاقدينی که تعیین این مهلت‌ها را به عرف احاله

۴۸. به‌عنوان نمونه رک.

Obergericht [OG] des Kantons Luzern [Appellate Court], 11 95 123/357, Jan. 8, 1997, (Switz.), available at <http://cisg3.law.pace.edu/cases/970108s1.html>.

۴۹. به‌عنوان نمونه رک.

Int'l Chamber Of Commerce, Pub. No. 7565/1994, 6 ICC Int'l Ct. of Arb. Bull. 64, 64-6 (Nov. 1995).
در این پرونده، دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی از این شرط مندرج در قرارداد که در صورت شکست مذاکرات اصلاحی بین طرفین، مهلت سی روزه‌ای را جهت ارجاع امر به داوری معین می‌کرد، این معنا را استنباط نکرد که متعاملین قصد تراضی برخلاف مقررات ماده ۳۸ کنوانسیون را داشته‌اند.

۵۰. به‌عنوان نمونه رک.

LG Hannover, 22 O 107/93, Dec. 1, 1993, (F.R.G.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/931201g1.html>.

۵۱. به‌عنوان نمونه رک.

OLG Saarbrücken, 1 U 69/92, Jan. 13, 1993, (F.R.G.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/930113g1.html>;

در قرارداد موضوع این دعوا، که راجع به خرید درب و پنجره بود، جهت اطلاع عدم انطباق کالا هشت روز مهلت تعیین شده بود.

LG Hannover, 22 O 107/93, Dec. 1, 1993, (F.R.G.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/931201g1.html>.

در قرارداد موضوع این دعوا، که راجع به خرید کفش بود، مهلت ده روز جهت اعلام عدم انطباق کالا مقرر شده بود.

۵۲. به‌عنوان نمونه رک.

❖ ۲۰۹ تعهدات خریدار در بیع بین‌المللی ...

داده‌اند، بار اثبات وجود عرف و عادت مزبور، قابلیت اعمال این عرف و عادات بر تجارت مورد نظر، و قصد متعاقبین برای درج آن عرف و عادات در قراردادشان را بر دوش می‌کشند.^{۵۳} گذشته از این، چنانچه در قرارداد مهلت معینی برای انجام بازرسی و اطلاع عدم انطباق کالا به فروشنده مقرر شده باشد، متعاقبین نمی‌توانند به عرف و عادت استناد نمایند.^{۵۴}

۲- اطلاع عدم انطباق کالا به فروشنده: بررسی ماده ۳۹ کنوانسیون^{۵۵}

غالب آرای دادگاه‌های داخلی در خصوص بازرسی کالا و اطلاع عدم انطباق کالا به فروشنده، ناظر به تفسیر ماده ۳۹ کنوانسیون است. این آراء به مسئله تعیین مهلت متعارف برای اطلاع عدم انطباق کالا به فروشنده، تعهد خریدار در مورد کشف عیب یا نقص مبیع، و مندرجات و مشخصات اطلاع عدم انطباق که در این ماده لازم دانسته شده، توجه خاصی مبذول داشته‌اند. در خصوص مهلتی که خریدار مکلف است عیب یا نقص مبیع را به فروشنده اطلاع دهد، آرای قضایی فراوانی صادر شده است. متأسفانه این آراء کاملاً متشتت و فاقد یکپارچگی و انسجامند. در این آراء جهت اطلاع عدم انطباق کالا به فروشنده، مهلت‌های گوناگونی لازم دانسته شده که از اطلاع فوری تا وجود مهلتی طولانی پس از تاریخ تسلیم مبیع قابل دسته‌بندی است. همانند آنچه در خصوص ماده ۳۸ کنوانسیون متذکر شدیم، این انعطاف‌پذیری در مهلت اعلام عدم انطباق کالا به فروشنده، از یک طرف به جهت بلا تکلیفی و سردرگمی که در اثر آن پدید می‌آید از سوی پاره‌ای نویسندگان مورد انتقاد واقع شده است، و از طرفی دیگر به جهت اینکه انعکاس‌دهنده واقعیات و مشکلاتی است که خریداران مقیم در کشورهای در حال توسعه در خصوص اعلام عدم انطباق کالا به فروشنده با آن دست به‌گریبانند، توسط عده‌ای دیگر از نویسندگان مورد ستایش قرار گرفته است.^{۵۶} یکی از وجوه اشتراک آرای مزبور آن است که بار

OLG Saarbrücken, 1 U 69/92, Jan. 13, 1993, (F.R.G.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/930113g1.html>; CME Coop. Mar. Etaploise/Bos Fishproducts, Rb. Zwolle, Mar. 5, 1997, NIPR 230 (Neth.), available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/970305n1.html>.

۵۳. به‌عنوان نمونه رک.

OLG Saarbrücken, 1 U 69/92, Jan. 13, 1993, (F.R.G.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/930113g1.html>.

54. *Id.*

۵۵. ماده ۳۹ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «(۱) چنانچه خریدار ظرف مهلت متعارفی پس از آنکه عیب یا نقص مبیع را کشف کرده است یا می‌بایست کشف می‌کرد، عدم انطباق کالا را با مشخص ساختن نوع عدم انطباق، به بایع اطلاع ندهد، حق استناد به عدم انطباق کالا [و حقوق ناشی از آن] را از دست خواهد داد.

(۲) در هر صورت، چنانچه خریدار حداکثر ظرف مدت دو سال از تاریخی که کالا به‌طور مادی به قبض وی داده شده، عدم انطباق کالا را به بایع اطلاع ندهد، حق استناد به عدم انطباق کالا [و حقوق ناشی از آن] را از دست می‌دهد، مگر اینکه این مهلت زمانی دو ساله با مدت قراردادی تضمین کالا منافات داشته باشد».

۵۶. برای دیدن انتقاد از تفسیر موسع مهلتی که مطابق ماده ۳۹ کنوانسیون باید عدم انطباق کالا اطلاع داده شود رک.

اثبات متعارف بودن مهلتی که طی آن خریدار عدم انطباق کالا را به فروشنده اطلاع داده، بر دوش خریدار دانسته شده است.^{۵۷}

دسته نخست از آرای فوق برآند که عدم انطباق کالا باید بلافاصله یا ظرف مدت بسیار کوتاهی به فروشنده اطلاع داده شود. به عنوان مثال، یکی از دادگاه‌های دانمارک رأی داده است که خریدار روسی گوشت ماهی باید عدم انطباق گونه‌هایی را که فروشنده نهایتاً تسلیم نموده، «فوراً» اطلاع دهد.^{۵۸} به همین ترتیب، یکی از دادگاه‌های بلژیک رأی داده است که لازم است خریدار هلندی تابلوهای نئون عدم انطباق کالا را ظرف «زمان کوتاهی» به بایع اطلاع دهد.^{۵۹} برعکس، یکی از دادگاه‌های هلند لازم شمرده است که عدم انطباق محصولات لبنی موضوع قرارداد ظرف مدت زمان کوتاهی پس از تسلیم اطلاع داده شود.^{۶۰} همچنین، یکی از محاکم آلمان رأی داده است که خریدار آلمانی منسوجات که عدم انطباق کالا را ظرف چند روز از تاریخ تسلیم به فروشنده فرانسوی اطلاع نداده است، از شرط لزوم اطلاع عدم انطباق کالا به فروشنده ظرف مهلت متعارف که در ماده ۹ کنوانسیون مقرر شده، متابعت نکرده است.^{۶۱}

بعضی از دادگاه‌ها، مهلتی را که طی آن می‌باید مطابق ماده ۳۸ بازرسی کالا صورت پذیرد با مهلتی که می‌باید ظرف آن براساس ماده ۳۹ عدم انطباق کالا به فروشنده اطلاع داده شود، مرتبط دانسته‌اند. به عنوان نمونه، چنانچه خریدار برطبق ماده ۳۸ ملزم باشد فوری کالا را بازرسی کند، در این صورت وی ملزم خواهد بود عدم انطباق کالا را نیز فوراً اطلاع دهد. یکی از دادگاه‌های آلمان رأی داده است که خریدار آلمانی که از فروشنده‌ای ایتالیایی گل خریداری کرده،

Kastely, *supra* note 19, at 618-19.

برای دیدن نظر مخالف که اعمال مناسب و شایسته کنوانسیون در کشورهای در حال توسعه را مستلزم تفسیر موسع ماده ۳۹ می‌داند رک.

Ryan, *supra* note 22, at 111.

۵۷. به عنوان نمونه رک.

OLG Koblenz, 3 O 212/97 Jul. 30, 1998, (F.R.G.), available at [http:// cisg. law. pace.edu/ cisg/wais/db/cases2/980730g1.html](http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/980730g1.html).

58. Handelsagentur v. DAT-SCHAUB A/S, Mar. and Commercial Ct. of Copenhagen, n. H-0126-98, Jan. 31, 2002, (Den.), available at [http:// www. cisg. dk/shd310102.htm](http://www.cisg.dk/shd310102.htm).

59. Epsilon BVBA v. Interneon Valkenswaard BV, Rechtbank van Koophandel, Hasselt, n. AR 1972/96, Jan. 21, 1997, (Belg.), available at <http://www.law.kuleuven.ac.be/int/tradelaw/WK/1997-01-21.htm>.

60. Fallini Stefano & Co./Foodik, Rb. Roermond, Dec. 19, 1991, NIPR 394 (Neth.), available at [http:// cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/911219n1.html](http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/911219n1.html).

61. OLG Düsseldorf, RIW, 1050-51, Feb 10, 1994, (F.R.G.), available at [http:// cisg. law. pace.edu/ cisg/wais/db/cases2/940210g1.html](http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/940210g1.html).

لازم بوده است فوراً کالا را بازرسی و فوراً عدم انطباق کالا را اطلاع دهد.^{۶۲} به همین نحو، دادگاه دیگری خریدار آلمانی را که از فروشنده ایتالیایی کفش خریداری کرده بود، ملزم دانسته است یک روز پس از تسلیم کالا، عیب یا نقص کالا را به بایع اطلاع دهد.^{۶۳} این آراء از این حیث که تمایل به حمایت از فروشنده داشته و نسبت به خریدار غیرمنصفانه به نظر می‌رسند، مورد انتقاد قرار گرفته‌اند.^{۶۴}

دسته دیگری از آراء مدت زمان طولانی‌ای را جهت اطلاع عدم انطباق در اختیار خریدار قرار داده‌اند. به عنوان مثال، با وجود آنکه در مورد یک محموله کاپشن چرم که فروشنده سوئیسی برای خریداری به لیختنشتاین ارسال کرده بود، عدم انطباق کالا به آسانی قابل کشف بود، دادگاه سوئیس رأی داد که خریدار هفت تا چهارده روز مهلت داشته تا عدم انطباق را به فروشنده اطلاع دهد.^{۶۵} یکی از دادگاه‌های آلمان به نحو مشابه خریدار اتریشی را ملزم دانسته است عیب یا نقص موجود در پلاستیک خام موضوع قرارداد را ظرف هشت روز از تاریخ تسلیم، به فروشنده آلمانی اطلاع دهد.^{۶۶} دادگاه دیگری در آلمان این مهلت را تا ده روز گسترش داده است.^{۶۷} دو دادگاه دیگر در مورد کالایی مشابه مهلت اعلام عدم انطباق را تا دو هفته امتداد داده‌اند.^{۶۸}

محاکم چهار کشور مهلت اعلام عدم انطباق را به بیش از دو هفته امتداد داده‌اند. در دعاوی مزبور، جهت اعلام عیب یا نقص کالا مهلت مشخصی تعیین شده است که بیش از دو هفته است، یا اینکه برای اطلاع عیب یا نقص کالا مهلت نامعلومی مقرر شده که برحسب اوضاع

62. OLG Saarbrücken, 1 U 703/97-143 June 3, 1998, (F.R.G.), available at [http:// cisg. law. pace. edu/cisg/wais/db/cases2/980603g1.html](http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/980603g1.html).

63. LG Aachen, 41 O 198/89, Apr. 3, 1990, (F.R.G.), available at [http:// cisg. law. pace. edu/cisg/wais/db/cases2/900403g1.html](http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/900403g1.html).

64. Michael G. Bridges, Uniformity and Diversity in the Law of International Sale, 15 Pace Int'l L. Rev. 55, 78 (2003);

همچنین رک.

Thompson, *supra* note 27, at 261.

65. HG Zürich, SZIER HG 930634/O, Nov. 30, 1998, (Switz.), available at [http:// cisg. law. pace. edu/cisg/wais/db/cases2/981130s1.html](http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/981130s1.html).

66. OLG München, 7 U 3758/94, Feb. 8, 1995, (F.R.G.), available at [http:// cisg. law. pace. edu/cisg/wais/db/cases2/950208g4.html](http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/950208g4.html).

67. OLG Karlsruhe, 1 U 280/96, Jun. 25, 1997, (Switz.), available at [http:// cisg. law. pace. edu/cisg/wais/db/cases2/970625g1.html](http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/970625g1.html).

68. Giustina Int'l Sp.A. v. Perfect Circle Europe SARL, CA Versailles, Cass. Com., no. 56, Jan. 29, 1998, (Fr.), available at <http://witz.jura.uni-sb.de/CISG/decisions/290198v.htm>;

همچنین رک.

OLG Koblenz, 14 S 358/94, Jul. 7, 1995, (F.R.G.), available at [http:// cisg. law. pace. edu/cisg/wais/db/cases2/950707g1.html#cs](http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/950707g1.html#cs).

(در دعاوی فوق موضوع قرارداد بیع، مواد شیمیایی بود).

و احوال متفاوت است. به عنوان مثال، بعضی دادگاه‌های آلمان و سوئیس از تاریخ تسلیم مبیع، به خریدار یک ماه مهلت داده‌اند که عیب یا نقص کالا را به اطلاع فروشنده برساند. این مهلت یک ماهه در مورد انواع گوناگونی از کالاهای فاسدشدنی و غیرفاسدشدنی قابل اجرا دانسته شده است.^{۶۹} برعکس، دادگاه‌های ایتالیا و هلند از تعیین مهلت مشخصی برای اعلام عدم انطباق کالا توسط خریدار، خودداری کرده‌اند. بالاخص، یکی از دادگاه‌های ایتالیایی رأی داده است که خریدار آلمانی ورق پلاستیک ولکانیده بلافاصله هنگام شروع به تولید محصول، باید عیب یا نقص کالای موضوع قرارداد را به اطلاع فروشنده ایتالیایی می‌رساند.^{۷۰} مع‌هذا، دادگاه موصوف مهلتی را که بایست ظرف آن تولید صورت پذیرد، مشخص نمی‌سازد جز آنکه اشاره می‌نماید اطلاع عیب یا نقص کالا به فروشنده چهار ماه پس از تاریخ تسلیم، دیر می‌باشد.^{۷۱} یکی از دادگاه‌های هلند در رأی صادره به نتیجه مشابهی رسیده است. در این رأی آمده است خریدار یونانی که از فروشنده هلندی پارچه پشمی خریداری کرده، می‌باید پیش از شروع به تولید محصول، عدم انطباق کالا را به فروشنده اطلاع می‌داد.^{۷۲} این دادگاه هلندی زمان معینی را برای تولید محصول مشخص نمی‌سازد جز آنکه اظهار می‌دارد اطلاع عدم انطباق سه هفته پس از تاریخ تسلیم مبیع دیر هنگام است.^{۷۳}

در خصوص مهلتی که خریدار باید در صورت [فروش کالا به شخص ثالث و] تغییر مسیر و مقصد کالای در حال حمل، ظرف آن عدم انطباق کالا را اطلاع دهد، رویه قضایی به مراتب کمتری وجود دارد. آرای صادره در این مورد، شرایطی را جهت امکان تأخیر در اطلاع عیب یا

۶۹. به عنوان نمونه رک.

OLG München, Forum des Internationalen Rechts 106-7, (F.R.G.);

(در دعوی فوق موضوع قرارداد بیع، منسوجات بود).

OLG Thüringener, OLGR Thüringener 4-6 (F.R.G.1998);

(در دعوی فوق موضوع قرارداد بیع، ماهی زنده بود).

OLG Stuttgart, RIW, 943-44 (F.R.G. 1995);

(در دعوی فوق موضوع قرارداد بیع، ماشین‌آلات صنعتی بود).

AG Augsburg, n. 11 C 4004/95, (F.R.G. 1996), available at <http://www.jura.uni-freiburg.de/ipri/cisg/urteile/text/172.htm>;

(در دعوی فوق موضوع قرارداد بیع، کفش بود).

OG Kanton Luzern, 94 SJZ 515-18 (Switz.) 1998.

(در دعوی فوق موضوع قرارداد، تجهیزات پزشکی بود).

70. Rheinland Versicherungen v. Atlarex S.r.l., Trib. Di Vigevano, July 12, 2000, n.405, available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/000712; 3.html>.

71. *Id.*

72. Nurka Furs/Nertsenfokkerij De Ruiter, HOF Hertogenbosch, 15 Dec. 1997, NIPR 201 (Neth.).

73. *Id.*

نقص کالا به فروشنده مقرر داشته‌اند. اولاً، در فرض مورد بحث تعویق در اطلاع عیب یا نقص کالا فقط در صورتی ممکن است که خریدار صرفاً به‌عنوان واسطه فعالیت کند، یا اینکه کالا [بی‌آنکه نخست توسط خریدار قبض شود] مستقیماً به مصرف‌کننده نهایی تسلیم گردد.^{۷۴} چنانچه در زمان تسلیم مبیع در محل تشکیلات خریدار، وی اطلاع نداشته باشد که تا چه میزان و چه موقع کالای مزبور را مجدداً به مشتریان خود می‌فروشد، دیگر تأخیر در اطلاع عیب یا نقص کالا به فروشنده موجه نخواهد بود.^{۷۵} گذشته از این، در صورتی که خریدار با وجود ارسال مجدد کالا به مصرف‌کننده نهایی ثالث، «فرصت واقعی» برای بازرسی کالا داشته است، تأخیر در اطلاع عیب یا نقص کالا به فروشنده، قابل قبول نخواهد بود.^{۷۶}

در فرض ارسال مجدد کالا، دادگاه‌های داخلی تأخیر طولانی در اعلام عیب یا نقص کالا را جایز نمی‌دانند. در دعوی که موضوع آن فروش روکش‌های چسبنده توسط فروشنده‌ای آلمانی به خریداری اتریشی بود، دادگاه رأی داد اعلام عیوب یا نقایص مبیع که بیست و چهار روز پس از تاریخ تسلیم کالا به مصرف‌کننده نهایی صورت گرفته، دیر هنگام می‌باشد.^{۷۷} دادگاه بر آن بود که با توجه به اوضاع و احوال، اعلام عدم انطباق کالا ظرف ده یا یازده روز متعارف بوده است.^{۷۸} یکی از وقایع مهم دعوای مورد بحث آن بود که عیب مبیع ظاهر بود، و خریدار و مصرف‌کننده نهایی کالا می‌توانستند به‌هنگام تسلّم به‌آسانی آن را کشف کنند.^{۷۹}

در شماری از آرای صادره بر صحت و نفوذ آن دسته از شروط قراردادی که مقررات ماده ۳۹ را در خصوص لزوم اعلام عیب یا نقص کالا تغییر دهند، صحت‌گذاشته شده است.^{۸۰} با این وصف، به‌منظور اینکه شروط خلاف مقررات ماده ۳۹ کنوانسیون مؤثر باشد، لازم

74. OLG Saarbrücken, n. 1 U 69/92, (F.R.G. Jan. 13, 1993), available at <http://jura.uni-freiburg.de/ipri/cisg/urteile/text/83.htm>.

75. *Id.*

76. OG Luzern, 11 95 123/357, Jan. 8, 1997, (Switz.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/970108s1.html>.

77. OLG Karlsruhe, 1 U 280/96, June 25, 1997, (F.R.G.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/970625g1.html>.

78. *Id.*

79. *Id.*

به همین نحو، در دعوی که راجع به خرید پلاستیک خام توسط خریداری اتریشی از فروشنده‌ای آلمانی بود، دادگاه رأی داد اطلاع عدم انطباقی که مصرف‌کننده نهایی دانمارکی یک ماه پس از تاریخ تسلیم داده، دیر هنگام است. گذشته از تأخیر مصرف‌کننده نهایی در اعلام عیب، نکته دیگری که به اتخاذ این تصمیم توسط دادگاه کمک کرد، آن بود که خریدار اتریشی پس از اینکه از طریق مصرف‌کننده نهایی دانمارکی از عیب مبیع مطلع شد، خود نیز این اطلاع عدم انطباق را با دو ماه تأخیر به فروشنده آلمانی رساند. برای دیدن این رأی رک.

OLG München, 7 U 3758/94, Feb. 8, 1995, (F.R.G.) available at <http://www.unilex.info/case.cfm?pid=1&do=case&id=117&step=FullText>.

۸۰. به‌عنوان نمونه رک.

است طرف متضرر از این امر به‌طور مشخص و صریح به تغییر مقررات ماده ۳۹ رضایت دهد.^{۸۱} شخص موصوف باید از اینکه کنوانسیون بر قرارداد مورد نظر حاکم است، آگاه بوده، و قصد صریح خود را دائر به خروج قرارداد از شمول [این ماده] کنوانسیون اعلام دارد.^{۸۲} وانگهی، مهلتی که متعاقبین جهت اعلام عیب یا نقص مبیع تعیین کرده‌اند، می‌باید مهلتی منطقی باشد.^{۸۳} آرای دادگاه‌های داخلی تا به حال، مهلت‌هایی را که به‌موجب قرارداد بین هشت تا چهارده روز در نظر گرفته شده است، منطقی شمرده و لذا صحیح و نافذ دانسته‌اند.^{۸۴} پاره‌ای از دادگاه‌های آلمان و هلند مهلت‌های تعیین شده برای اعلام عدم انطباق کالا را که موافق با عرف مرسوم تجاری بوده، نیز صحیح دانسته و تأیید نموده‌اند.^{۸۵}

لزوم اعلام به‌موقع عیب یا نقص کالا به فروشنده، بحث دیگری را به میان می‌آورد و آن تعهد خریدار مبنی بر کشف عیب یا نقص مبیع است. رویه قضایی عمدتاً به سهولت کشف عیب یا نقص مورد ادعا عنایت نموده است. به‌علاوه، آن دسته از آرای قضایی که اعلام عدم انطباق کالا از سوی خریدار را دیر هنگام اعلام کرده‌اند، توجه خود را بر این نکته معطوف داشته‌اند که آیا با بازرسی کالا در زمان تسلیم، یا در زمان تولید بعدی، یا در زمانی که کالا به‌عنوان یک قطعه در محصول نهایی ادغام شده است، عیب یا نقص کالا آشکار و قابل رؤیت بوده است یا خیر. در دعوی هاندلساگنتور بطرفیت شرکت دات-شائوب ای/اس،^{۸۶} دادگاه دانمارک در خصوص عدم

LG Hannover, 22 O 107/93, Dec. 1, 1993, (F.R.G.), available at <http://www.unilex.info/case.cfm?pid=1&do=167&step=FullText>.

۸۱. رجوع کنید به فصل یازدهم همین کتاب.

۸۲. به‌عنوان نمونه رک.

OG Luzern 11 95 123/357, Jan. 8, 1997, (Switz.), available at <http://www.cisgw3.law.pace.edu/cases/970108s1.html>.

۸۳. به‌عنوان نمونه رک.

OLG München, 7 U 4427/97, Mar. 11, 1998, (F.R.G.), available at <http://www.cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/980311g1.html#cab>.

84. OLG München, 7 U 4427/97, Mar. 11, 1998, (F.R.G.).

۸۵. به‌عنوان نمونه رک.

OLG Saarbrücken, 1 U 69/92, Jan. 13, 1993, (F.R.G.), available at <http://www.unilex.info/case.cfm?pid=1&do=case&id=167&step=FullText>;

دعوی فوق راجع به مهلت اعلام عدم انطباق کالا در عرف تجاری صنعت تولید درب و پنجره است).

CME Coop. Mar. Etaploise/Bos Fishproducts Rb. Zwolle, Mar. 5, 1997, NIPR 230 (Neth.), available at <http://www.cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/970305n1.html>.

دعوی فوق راجع به عرف تجاری موجود در صنعت شیلات جهت اعلام عدم انطباق کالا است). مع‌الوصف، در صورت وجود شرطی در قرارداد، مقررات خاص مندرج در قرارداد در خصوص اعلام عیب یا نقص مبیع، مقدم بر عرف خواهد بود.

86. Mar. and Comm. Ct. of Copenhagen, H-0126-98, Jan. 31, 2002, (Den.), available at <http://www.cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/020131d1.html>;

❖ ۲۱۵ تعهدات خریدار در بیع بین‌المللی...

انطباقی که با انجام بازرسی متعارف کالا در زمان تسلیم به آسانی قابل کشف بود، اعلام دیر هنگام عدم انطباق مبیع را موجه ندانست و نپذیرفت. دادگاه‌های آلمان و هلند در صورتی که عیب یا نقص مبیع به هنگام تولید بعدی محصول که باید به محض امکان پس از تسلیم کالا انجام گیرد، ظاهر و سهل‌الروییه بوده است، به اعلام [دیر هنگام] عدم انطباق از سوی خریدار ترتیب اثر نداده‌اند.^{۸۷} تعهد خریدار دائر به اعلام عدم انطباق مبیع همچنین در صورتی که عیب یا نقص به هنگام ادغام یا امتزاج کالا در یک محصول نهایی آشکار می‌گردد، نیز لازم‌الوفا می‌شود.^{۸۸}

برعکس، در صورتی که عیب یا نقص کالا، عیب یا نقصی باشد که با عیب به آن علم داشته و با زیرکی آن را از معرض دید خریدار مخفی نگاه داشته است، اعلام دیر هنگام عدم انطباق کالا موجه خواهد بود. بر این اساس، یکی از دادگاه‌های آلمان در مورد مشروباتی که فروشنده ایتالیایی عالملاً عامداً با آب مخلوط کرده بود، اعلام دیر هنگام عیب از سوی خریدار آلمانی را موجه شمرد.^{۸۹} به همین نحو، یکی از دادگاه‌های هلند در خصوص پنیر مملو از کرم‌گرفتگی که فروشنده

(در رأی فوق آمده: عدم انطباق نوع ماهی فروخته شده از سوی فروشنده دانمارکی به خریدار روسی، از طریق ملاحظه برچسب و بسته‌بندی کالا به آسانی قابل کشف بوده است). همچنین رک.

OLG München, 7 U 4427/97, Mar. 11, 1998, (F.R.G.), available at <http://www.cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/980311g1.html>.

(در رأی فوق آمده: چنانچه خریدار آلمانی در زمان تسلیم مبیع از سوی فروشنده ایتالیایی، پارچه‌های کشمیری موضوع قرارداد را بازرسی تصادفی می‌نمود، عیوب مبیع مشاهده می‌شد).

87. OLG Koblenz, 2 U 580/96, Sept. 11, 1998, (F.R.G.), available at <http://www.Cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/980911g1.html>;

(در رأی فوق آمده: عدم انطباق مواد شیمیایی‌ای که خریدار مراکشی از فروشنده آلمانی خریداری کرده، هنگامی که مواد شیمیایی مزبور یک ماه پس از تسلیم جهت تولید لوله‌های پلاستیک مورد استفاده قرار می‌گرفته، به آسانی قابل رؤیت بوده است). همچنین رک.

OLG Karlsruhe, 1 U 280/96, June 25, 1997, (F.R.G.), available at <http://www.cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/970625g1.html>;

(در رأی فوق آمده: عدم انطباق روکش‌های چسبنده‌ای که خریدار اتریشی از فروشنده آلمانی اکتیاع نموده، در زمان تبدیل بعدی کالا به محصول دیگر در مرحله تولید به آسانی قابل کشف بوده است).

CME Coop. Mar. Etaploise/Bos Fishproducts Rb. Zwolle, Mar. 5, 1997, NIPR 230 (Neth.), available at <http://www.cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/970305n1.html>.

(در رأی فوق آمده: عدم انطباق ماهی‌ای که خریدار هلندی از فروشنده فرانسوی اکتیاع نموده است، به هنگام کنسرو کردن ماهی که با توجه به طبع فسادپذیر محصول در نزدیک‌ترین زمان ممکن پس از تسلیم باید صورت می‌گرفت، به آسانی قابل رؤیت بوده است).

۸۸. به‌عنوان نمونه رک.

OLG Köln, 18 U 121/97, Aug. 21, 1997, (F.R.G.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/970821g1.html>.

(در رأی فوق آمده: عیب مواد شیمیایی موضوع قرارداد، که به‌منظور تولید شیشه مورد استفاده قرار گرفته، به هنگام امتزاج مواد شیمیایی مزبور با مواد دیگر در مرحله تولید به سهولت قابل کشف بوده است).

89. OLG Koblenz, 2 U 580/96, Sept. 11, 1998, (F.R.G.), available at <http://www.cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/980911g1.html>;

ایتالیایی تسلیم کرده بود، اعلام با تأخیر عیب را از خریدار هلندی پذیرفت.^{۹۰} همچنین دادگاه‌های داخلی چنانچه عیب یا نقص کالا صرفاً از طریق انجام بازرسی‌هایی که در عرف تجاری معمول نیست، قابل کشف باشد، اطلاع با تأخیر عیب یا نقص کالا را موجه شمرده‌اند.^{۹۱} حداقل یکی از دادگاه‌های داخلی به‌هنگامی که عدم انطباق کالا چنان است که صرفاً کارشناس بسیار ماهر، همچون یک متخصص بهداشت، می‌توانسته است وجود آن را کشف کند، نیز اطلاع با تأخیر عدم انطباق کالا را قابل توجیه شمرده است.^{۹۲} به هر تقدیر، بار ارائه دلیل در خصوص تقلب فروشنده، یا علم فروشنده به عیب یا نقص کالا، یا مخفی بودن عیب یا نقص کالا بر دوش خریدار قرار دارد.^{۹۳}

(در رأی فوق آمده: عدم انطباق مواد شیمیایی‌ای که خریدار مراکشی از فروشنده آلمانی خریداری کرده، هنگامی که مواد شیمیایی مزبور یک ماه پس از تسلیم جهت تولید لوله‌های پلاستیک مورد استفاده قرار می‌گرفته، به‌آسانی قابل رؤیت بوده است). همچنین رک.

OLG Karlsruhe, 1 U 280/96, June 25, 1997, (F.R.G.), available at <http://www.cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/970625g1.html>;

(در رأی فوق آمده: عدم انطباق روکش‌های چسبنده‌ای که خریدار اتریشی از فروشنده آلمانی اکتیاع نموده، در زمان تبدیل بعدی کالا به محصول دیگر در مرحله تولید به‌آسانی قابل کشف بوده است).

CME Coop. Mar. Etaploise/Bos Fishproducts Rb. Zwolle, Mar. 5, 1997, NIPR 230 (Neth.), available at <http://www.cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/970305n1.html>.

(در رأی فوق آمده: عدم انطباق ماهی‌ای که خریدار هلندی از فروشنده فرانسوی اکتیاع نموده است، به‌هنگام کنسرو کردن ماهی که با توجه به طبع فسادپذیر محصول در نزدیک‌ترین زمان ممکن پس از تسلیم باید صورت می‌گرفت، به‌آسانی قابل رؤیت بوده است).

90. Fallini Stefano & Co./Foodik, Rb. Roermond, Dec. 19, 1991, NIPR 394 (Neth.), available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/911219n1.html>.

۹۱. به‌عنوان نمونه رک.

LG Trier, 7 HO 78/95, Oct. 12, 1995, (F.R.G.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/951012g1.html>.

(در دعوی فوق دادگاه رأی داد: بازرسی کالا به‌منظور تشخیص اینکه آیا مشروبات موضوع قرارداد با آب مخلوط شده یا خیر، عرفاً در تجارت خرید و فروش مشروبات انجام نمی‌شود).

92. OLG Thüringener, 8 U 1667/97, May 26, 1998, (F.R.G.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/980526g1.html#cabc>.

(در دعوی فوق، دادگاه اعلام دیر هنگام عیب موجود در ماهی‌های زنده‌ای را که خریدار آلمانی از فروشنده چک اکتیاع نموده بود، موجه شمرد. دادگاه استدلال کرد که صرفاً یک متخصص بهداشت می‌توانسته تشخیص دهد که ماهی‌های مزبور در زمان تسلیم مبتلا به بیماری عفونی بوده‌اند).

93. *Id.*

همچنین رک.

Trib. [District Court] di Vigevano, n.405, July 12, 2000, (It.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases/000712i3.html#cabc>; HG Zürich, HG 930634, Nov. 11, 1998, (Switz.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/981130s1.html#cabc>.

❖ ۲۱۷ تعهدات خریدار در بیع بین‌المللی...

دادگاه‌ها همچنین موضوع مفاد و مشخصات اطلاع عدم انطباق مقرر در ماده ۳۹ کنوانسیون را نیز مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. لزوم دقیق بودن مفاد و مندرجات اطلاع عدم انطباق از این حیث دارای اهمیت است که فروشنده از طریق آن مطلع می‌گردد چه اقداماتی برای برطرف ساختن عیب یا نقص کالا لازم است، و به وی امکان می‌دهد خود نیز به بازرسی کالا مبادرت کند.^{۹۴} علی‌هذا، اطلاع عدم انطباقی که صرفاً اعلام کرده باشد کالا غیرمنطبق با قرارداد است برای ایفای تعهد قراردادی خریدار مبنی بر اعلام عیب یا نقص مبیع کافی به حساب نمی‌آید.^{۹۵} چنانچه عدم انطباق کالا قابل توصیف دقیق باشد، لازم است توصیف دقیق عیب یا نقص کالا به‌موقع به اطلاع فروشنده رسانده شود.^{۹۶} گذشته از این، اطلاع عدم انطباق باید عیب یا نقص کالا را معرفی کرده و برطرف نمودن آن را درخواست کند، نه اینکه با اشاره به بروز مشکلات خاصی در بهره‌برداری از کالا، تقاضای کمک به‌منظور انتفاع از کالا نماید.^{۹۷}

در دعاوی متعددی، خریدار به‌علت دقیق نبودن اطلاع عدم انطباقی که داده، حق رد کالا را از دست داده است. یکی از دادگاه‌های آلمان اطلاع عدم انطباقی را که از طریق آن به فروشنده گل اعلام شده بود کالای تسلیمی او دارای «کیفیت پایین» و «ظاهر نامرغوب» است،

94. LG Erfurt, 3 HKO 43/98, Jul. 29, 1998, (F.R.G.), available at <http://www.unilex.info/case.cfm?pid=1&do=case&id=449&step=FullText>.

95. LG Hannover, 22 O 107/93, Dec. 1, 1993, (F.R.G.), available at <http://www.unilex.info/case.cfm?pid=1&do=case&id=167&step=FullText>.

96. *Id.*

همچنین رک.

LG Regensburg, 6 O 107/98, Sept 24, 1998, (F.R.G.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisgwais/db/cases2/980924g1.html#ctoc>;

(دعوی فوق راجع به قرارداد فروش منسوجات بود).

LG Erfurt, 3 HKO 43/98, Jul. 29, 1998, (F.R.G.), available at <http://www.jura.unifreiburg.de/ipri/cisg/urteile/text/561.htm>;

(دعوی فوق راجع به فروش کفی کفش بود).

Bronneberg/Ceramica Belvedere, HR, Feb. 20, 1998, NJ 480 (Neth.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisgwais/db/cases2/980220n1.html>;

(دعوی فوق راجع به فروش کاشی کف بود).

HG Zürich, HG 930634, Nov. 11, 1998, (Switz.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisgwais/db/cases2/981130s1.html#cabc>.

(دعوی فوق راجع به فروش کاپشن‌های چرمی بود).

97. LG München, 8 HKO 24667/93, Feb. 8, 1995, (F.R.G.), available at <http://www.unilex.info/case.cfm?pid=1&do=case&id=225&step=FullText>.

(این دعوا راجع به قرارداد فروش برنامه‌های رایانه‌ای است).

فاقد اثر دانسته است.^{۹۸} به همین ترتیب، دادگاه‌های آلمان و ایتالیا اطلاع عدم انطباقی را که در آن قید شده کالا «معیوب» است یا «مشکلاتی را پدید آورده است»، فاقد صراحت و دقت کافی دانسته‌اند تا براساس ماده ۳۹ کنوانسیون اثری بر آن مترتب باشد.^{۹۹} یکی از دادگاه‌های سوئیس به اطلاعی که از طریق آن به فروشنده ایتالیایی اعلام شده بود مبلمان ارسالی او حاوی «قطعات معیوب» و «پراز شکستگی» است، ترتیب اثر نداده است.^{۱۰۰}

دادگاه‌های آلمان برای فرضی که موضوع قرارداد مشتمل بر یک سیستم یکپارچه یا اجزای متعدد یا محموله‌های متعدد است، در خصوص مفاد و مشخصات اطلاع مورد نیاز قواعدی تمهید کرده‌اند. در خصوص سیستم یکپارچه‌ای که در آن عیب یا نقصی مشاهده شده، اطلاع عدم انطباق باید به‌طور مشخص قطعه یا قطعات معیوب یا ناقص را معین نماید.^{۱۰۱} اشاره به کلیت سیستم کافی نیست تا شرایط و الزامات مقرر در ماده ۳۹ کنوانسیون را محرز‌گردد؛^{۱۰۲} بلکه اطلاع عدم انطباق باید قطعه یا قطعات معیوب یا ناقص را براساس شماره سریال و تاریخ تسلیم به‌نحو دقیق مشخص نماید.^{۱۰۳} در موردی که مبیع دارای اجزاء و اقلام متعدد یا محموله‌های متعدد است، قواعد مشابهی حکومت می‌کند. در این موارد، اطلاع عدم انطباق باید آن جزء یا محموله از

98. OLG Saarbrücken, 1 U 703/97-143, Jun. 3, 1998, (F.R.G.), available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/980603g1.html>.

99. LG Erfurt, 3 HKO 43/98, Jul. 29, 1998, (F.R.G.), available at <http://www.unilex.info/case.cfm?pid=1&do=case&id=449&step=FullText>.

(دعوی فوق راجع به فروش کفی کفش می‌باشد). همچنین رک.

Trib. di Vigevano, Note 435, Jul. 12, 2000, (It.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/000712i3.html#cabc>.

(در دعوی فوق، خریدار نمونه‌هایی از پلاستیک ولکانیده مورد تسلیم را جهت فرستادن به آزمایشگاه در اختیار نداشت، و لذا نتوانست ثابت نماید فروشنده پلاستیکی را به او فروخته که به‌منظور تولید کفش معیوب و نامناسب می‌باشد). در دعوی دیگری که خریدار آلمانی از فروشنده‌ای ایتالیایی محصولات چرمی خریداری کرده بود، یکی دیگر از دادگاه‌های آلمان در خصوص اطلاع عدم انطباقی که خریدار آلمانی داده بود دائر بر اینکه کالای تسلیمی «دارای شکل و شمایل بد» می‌باشد، و قابل فروش به مشتریان نیست، دادگاه به نتیجه مشابهی رسیده است. برای دیدن این رأی رک.

OLG München, 7 U 2070, Jul. 9, 1997, (F.R.G.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/970709g1.html#ctoc>.

100. KG [District Court] Nidwalden, 15/96 Z, Dec. 3, 1997, (Switz.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/971203s1.html>.

101. BGH VIII ZR 306/95, Dec. 4, 1996, (F.R.G.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/961204g1.html#ctoc>.

(در دعوی فوق، قرارداد راجع به فروش دستگاه‌های چاپ بود).

102. *Id.*

103. LG Marburg, 2 O 246/95, Dec. 12, 1995, (F.R.G.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/951212g1.html>.

(در دعوی فوق، قرارداد راجع به فروش ماشین‌آلات کشاورزی بود).

کالا را که معیوب یا ناقص است، مشخص سازد.^{۱۰۴} اطلاع عدم انطباقی که کل کالای تسلیمی را معیوب یا ناقص معرفی کند، و به‌طور مشخص اجزاء یا محموله‌های خاصی را معین ننماید، الزامات و شرایط صریح ماده ۳۹ را تأمین نکرده است.^{۱۰۵}

۳- عذر موجه: بررسی ماده ۴۴ کنوانسیون^{۱۰۶}

دادگاه‌هایی که به تفسیر ماده ۴۴ کنوانسیون پرداخته‌اند، به یک موضوع بسیار مهم توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند، و آن موضوع دقیقاً عبارت از معاذیر موجهه‌ای است که برای عدم اطلاع به‌موقع عیب یا نقص مبیع به فروشنده آنگونه که در ماده ۳۹ کنوانسیون لازم دانسته شده، می‌توان عنوان نمود. پاره‌ای از استادان از ماده ۴۴ کنوانسیون انتقاد نموده‌اند از این حیث که ماده مذکور فاقد وضوح بوده، و به‌نحو یله و رها از اطلاع با تأخیر یا ندادن اطلاع عدم انطباق کالا، که طبق ماده ۳۹ کنوانسیون باید ظرف مهلت متعارف داده می‌شد، غمض‌عین نموده و آن را موجه می‌شمارد.^{۱۰۷} ماده ۴۴ همچنین از جهت اینکه درخصوص مفهوم «عذر موجه» مبهم است، مورد انتقاد واقع شده است.^{۱۰۸} در مقابل، عده‌ای از نویسندگان از ابهام این عبارت حمایت نموده‌اند و استدلال کرده‌اند که عبارت مزبور ملاک‌های گوناگونی را برای خریداران مختلف برحسب سطح تجربه و مهارت ایشان به‌دست می‌دهد.^{۱۰۹} از این روی، حداقل یکی از مفسران این ماده، به فروشندگان توصیه کرده است با توافق برخلاف مقررات کنوانسیون در خصوص اطلاع عدم انطباق از جمله حذف معاذیر عدم اطلاع به‌موقع عیب یا نقص کالا، در برابر تردیدها و اختلاف نظرهای ناشی از ماده ۴۴ کنوانسیون، از منافع خود حفاظت نمایند.^{۱۱۰}

104. LG München, 10 HKO 23750/94, Mar. 20, 1995, (F.R.G.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/950320g1.html>.

(در دعوی فوق، قرارداد راجع به فروش گوشت منجمد خوک بود).

105. LG Marburg, 2 O 246/95, Dec. 12, 1995, (F.R.G.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/951212g1.html>.

(در دعوی فوق، قرارداد راجع به فروش ماشین‌آلات کشاورزی بود). افزون بر این، همان‌طور که قبلاً در مورد شبکه‌های یکپارچه اشاره کردیم، در اطلاع عدم انطباق باید شماره‌های سریال و تاریخ‌های تحویل قطعه یا قطعات معیوب آورده شود تا فروشنده در یافتن اسناد و مدارک راجع به آن قطعه یا محموله، به زحمت و مشقت نیفتد.

۱۰۶. ماده ۴۴ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «باوجود مقررات بند (۱) ماده ۳۹ و بند (۱) ماده ۴۳، چنانچه خریدار برای ندادن اطلاع مقرر در این دو بند، عذر موجهی ارائه دهد، می‌تواند ثمن را مطابق ماده ۵۰ تقلیل دهد، یا خسارات وارده بجز عدم‌انفع را مطالبه کند».

107. Schlechtriem, *supra* note 47, at 70.

108. Garro, *supra* note 20.

109. Ryan, *supra* note 22, at 111-12.

110. E. Allan Farnsworth, *The Vienna Convention: An International Law for the Sale of Goods*, in *Private Investors Abroad - Problems and Solutions in International Business* 121, 127, 134 (Martha L. Landwehr ed., 1983).

رویه قضایی پراکنده‌ای که به تفسیر قید عذر موجه مذکور در ماده ۴۴ پرداخته است، با این انتقادات همسو نمی‌باشد؛ بلکه آن دسته از محاکم داخلی که به این موضوع عنایت کرده‌اند، بسیار اکراه داشته‌اند که عدم رعایت حکم ماده ۳۹ کنوانسیون را موجه بدانند. در این آراء، به علل گوناگونی استناد شده است تا ندادن اطلاع یا تأخیر در اطلاع عدم انطباق کالا غیرموجه دانسته شود. یکی از دادگاه‌های هلند رأی داده است که خریدار یونانی جهت تأخیر سه هفته‌ای در اطلاع دادن عیوب مبیع به فروشنده هلندی پوست، نمی‌تواند به ماده ۴۴ کنوانسیون به‌عنوان عذر استناد نماید؛ چه اینکه عیوب مبیع از طریق نمونه‌برداری از کالا به‌سادگی قابل کشف بوده است.^{۱۱۱} چنانچه خریدار در انتقال گلایه‌ها و شکایات مصرف‌کنندگان به فروشنده تأخیر نماید، عذر موجه موجود نیست.^{۱۱۲} یکی از دادگاه‌های آلمان استدلال کرده است که اهمیت سرعت در امور تجاری اقتضاء می‌نماید به عذر مذکور در ماده ۴۴ کنوانسیون به‌طور استثنایی استناد نماییم. غالب اوقات اقدامی عاجل لازم می‌آید که این اقدام خود نیازمند اطلاع به‌موقع از عیب یا نقص کالا است.^{۱۱۳} باین وصف، در همین رأی دادگاه اظهار داشت چنانچه خریدار تاجر با تجربه و ماهر در بازار بین‌المللی باشد، پذیرش عذر جهت تأخیر در اطلاع عدم انطباق کالا چندان موجه نیست.^{۱۱۴} دادگاه متذکر شده است که از تاجر انفرادی و پیشه‌وران آسانتر می‌توان معاذیر را پذیرفت.^{۱۱۵} اما همچنان در این صورت، ماهیت و نوع تفاوت‌هایی که تفاوت در برخورد را موجه جلوه می‌دهد و عذرهای خاصی که از نظر دادگاه‌های داخلی قابل پذیرش خواهد بود، در حاله‌ای از ابهام قرار دارد.

به هر حال، در آرای معدودی در خصوص خودداری خریدار از اطلاع به‌موقع عیب یا نقص کالا که در ماده ۳۹ لازم دانسته شده، عذر مذکور در ماده ۴۴ کنوانسیون پذیرفته شده است. در یکی از آرای داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی، بازرسی نادرست کالا از سوی شخص ثالث مستقل و بی‌طرف، مانند یک سازمان دولتی، یکی از مصادیق عذر مذکور در ماده ۴۴ کنوانسیون به حساب

111. Nurka Furs/Nertsenfokkerij De Ruiter, HOF [District Appeals Court] Hertogenbosch, Dec. 15, 1997, NIPR 201 (Neth.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/971215n1.html>.

112. Bezirksgericht Unterrheintal, EV. 1998.2 (IKZ. 1998.7), Sept. 16, 1998, (Switz.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/980916s1.html#ctoc>.

(در دعوی فوق، خریدار سوئیسی گلایه‌ها و شکایات مشتری را در خصوص مبلمانی که از فروشنده‌ای آلمانی خریداری کرده بود، با نه ماه تأخیر به فروشنده انتقال داد).

113. OLG München, 7 U 3758/94, Feb. 8, 1995, (F.R.G.), available at <http://www.unilex.info/case.cfm?pid=1&do=case&id=117&step=FullText>.

(در دعوی فوق، قرارداد راجع به خرید و فروش پلاستیک خام بود).

114. *Id.*

115. *Id.*

آمده است.^{۱۱۶} در این پرونده، هیئت داوری تشخیص داد که زمان بازرسی خریدار، در بندر بارگیری تعیین شده بود. بنابراین، با توجه به اینکه مطابق بند (۱) ماده ۳۹ کنوانسیون عیوب کالا باید به موقع اطلاع داده شود، کشف عیوب کالا در بندر تخلیه بسیار با تأخیر بوده است. هیئت داوری در ادامه با استناد به اینکه بازرسی کالا در بندر بارگیری به شکل ناقص و غلط، و توسط یک مؤسسه مستقل و بی طرف صورت گرفته، عدم اطلاع به موقع عیوب کالا از سوی خریدار را موجه دانست. هیئت داوری اظهار داشت نظر به اینکه «هر دو متعاقدین بر بازرسی کالا توسط یک مؤسسه مستقل و بی طرف توافق نموده‌اند، نمی توان خریدار را به تنهایی مسئول تحمل تبعات بازرسی غلط کالا به حساب آورد».^{۱۱۷}

دیوان داوری اتاق بازرگانی و صنایع فدراسیون روسیه نیز در مقام پذیرش عذر خریدار کالای معیوب، ماده ۴۴ کنوانسیون را اعمال نموده است.^{۱۱۸} در قراردادی، خریدار حق داشت کالا را توسط مؤسسه‌ای مستقل و بی طرف در بندر مقصد بازرسی نماید. مع الوصف، خریدار ثابت نمود که بنابه «دلایل فنی» بازرسی کالا صورت نپذیرفته است. نکته شایان توجه این پرونده آن بود که خریدار مطابق شرط ناظر به ارسال اظهارنامه مندرج در قرارداد، دعوی خود را به موقع اقامه نکرده بود. لذا نسبت به این دعوا ایراد شد؛ چه اینکه عذر مذکور در ماده ۴۴ کنوانسیون صرفاً در مورد اطلاع عدم انطباق کالا (موضوع ماده ۳۹) و اطلاع ادعاهای شخص ثالث (موضوع ماده ۴۳) قابل استفاده است، و در مورد سایر انواع اطلاع‌ها و اختراها بویژه خطری که صریحاً به موجب شروط ضمن قرارداد پیش بینی شود، قابل اعمال نمی باشد.^{۱۱۹}

ب - تعهد به تأدیه ثمن و تعهد به تسلّم مبیع

خریدار متعهد است در صورتی که کالا منطبق با قرارداد باشد یا در فرض عدم انطباق چنانچه کالا را بدون اعتراض پذیرفته است، ثمن کالا را پرداخته و آن را قبض نماید. این تعهدات در مواد ۵۴ تا ۶۰ کنوانسیون ذکر شده است. بدو، تعهد خریدار دائر به تأدیه ثمن شامل کلیه تشریفات نیز می گردد که به موجب قرارداد یا براساس قوانین و مقررات حاکم لازم است رعایت شود تا پرداخت ثمن ممکن گردد.^{۱۲۰} در موردی که قرارداد بیع منعقد شده است، لیکن متبایعین

116. ICC Arbitration No. 9187 of June 1999, available at <http://www.cisg-online.ch/cisg/urteile/705.htm>.

117. *Id.*

118. Arbitration Tribunal of Russian Federation Chamber of Commerce and Industry, Case No. 54/1999 of January 24, 2000, CLOUT Abstract No. 474, available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/000124r1.html>.

119. این دیدگاهی است که جهانگیر سعیدآف در تفسیری که بر این رأی نگاشته و در منبع زیر منتشر شده، اختیار کرده است: 7 Vindobona J. Int'l Com. L. & Arb. 1, 28-30 (2003).

120. CISG, Art. 54.

صریحاً یا ضمناً ثمن را تعیین نکرده، یا سازوکاری برای تعیین آن پیش‌بینی نکرده‌اند، فرض می‌شود متعاملین «به‌طور ضمنی ثمنی را مدنظر داشته‌اند که معمولاً در زمان انعقاد قرارداد برای مبیع در شرایط مشابه در تجارت مورد نظر مطالبه می‌گردد».^{۱۲۱} گذشته از این، چنانچه ثمن برحسب وزن کالا تعیین شود، این ارجاع به‌عنوان ارجاع به وزن خالص کالا تفسیر خواهد شد، مشروط براینکه عبارتی برخلاف آن در قرارداد یافت نشود.^{۱۲۲}

ماده ۵۷ کنوانسیون ناظر به محل اجرای تعهد خریدار دائر بر تأدیه ثمن است. چنانچه در قرارداد مکان پرداخت ثمن مشخص نشده باشد، خریدار مکلف است ثمن را در محل تجارت فروشنده بپردازد.^{۱۲۳} مع‌الوصف، چنانچه تأدیه ثمن باید در مقابل تسلیم مبیع یا تحویل اسناد صورت گیرد، خریدار مکلف است ثمن را در محل تسلیم مبیع یا تحویل اسناد تأدیه کند.^{۱۲۴} هزینه‌های اضافی که خریدار در مقام اجرای تعهد پرداخت ثمن متحمل شده و ناشی از تغییر در محل تجارت فروشنده پس از انعقاد قرارداد بیع می‌باشد، برعهده فروشنده است.^{۱۲۵}

ماده ۵۸ کنوانسیون ناظر به موردی است که قرارداد بیع تاریخ مشخصی را برای تأدیه ثمن مقرر نکرده است. در صورت عدم تعیین زمان مشخصی برای تأدیه ثمن، خریدار مکلف است هنگامی که بایع کالا یا اسناد مثبت استیلاء بر کالا را در اختیار خریدار قرار می‌دهد، ثمن را بپردازد.^{۱۲۶} فروشنده می‌تواند تسلیم مبیع یا تحویل اسناد مثبت استیلاء بر کالا را منوط به پرداخت ثمن نماید.^{۱۲۷} در مقام مقایسه، چنانچه در قرارداد، حمل کالا نیز پیش‌بینی شده باشد، فروشنده می‌تواند مبیع را بنابراین شرط، ارسال دارد که کالا یا اسناد مثبت استیلاء بر آن بدون تأدیه ثمن به خریدار تسلیم نشود.^{۱۲۸} به هر تقدیر، خریدار تا زمانی که فرصت بازرسی کالا را نیابد، تعهدی به پرداخت ثمن ندارد.^{۱۲۹} مع‌هذا، در صورتی که تشریفات تسلیم مبیع یا تأدیه ثمن که مورد توافق متعاملین قرار گرفته است با امکان بازرسی کالا منافات داشته و قابل جمع نباشند، خریدار مکلف است ثمن را بپردازد [بی‌آنکه بتواند پرداخت ثمن را موکول به بازرسی مبیع نماید].^{۱۳۰}

121. *Id.* Art. 55.

122. *Id.* Art. 56.

123. *Id.* Art. 57(1)(a).

124. *Id.* Art. 57(1)(b).

125. *Id.* Art. 57(2).

126. *Id.* Art. 58(1).

127. *Id.*

128. *Id.* Art. 58(2).

129. *Id.* Art. 58(3).

130. *Id.*

صرف نظر از هرگونه جهلی که ممکن است در خصوص ثمن، یا مکان و زمان تأدیه وجود داشته باشد، خریدار ملزم است، بدون آنکه نیاز باشد فروشنده ثمن را مطالبه نماید یا هرگونه تشریفات را رعایت کند، ثمن را بپردازد.^{۱۳۱} خریدار همچنین مکلف است مبیع را تسلّم نماید که این تعهد شامل انجام کلیه اقداماتی نیز می‌گردد که عرفاً لازم است تا فروشنده قادر به تسلیم و خریدار قادر به تسلّم مبیع شود.^{۱۳۲}

۱- تشریفات پرداخت ثمن: بررسی ماده ۵۴ کنوانسیون^{۱۳۳}

دادگاه‌های داخلی به یکی از مباحث ناشی از ماده ۵۴ کنوانسیون توجه خاصی مبذول داشته‌اند. آن بحث عبارت از شمارش تشریفات است که خریدار مکلف است به‌منظور ممکن شدن تأدیه ثمن رعایت نماید. تشریفات که دادگاه‌های داخلی در این مقام شناسایی کرده‌اند شامل دو الزام است. دادگاه‌های اتریش و سوئیس، و همچنین دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی در فرضی که برحسب شروط عقد بیع مقرر شده است پرداخت ثمن از طریق اعتبار اسنادی صورت گیرد، خریدار را ملزم به افتتاح اعتبار اسنادی دانسته‌اند.^{۱۳۴} رعایت ماده ۵۴ همچنین مستلزم این است که خریدار عنداللزوم از مقررات تبدیل ارز، من جمله مجوز انتقال ارز نیز متابعت نماید.^{۱۳۵} به هر تقدیر، باوجود این آراء، شرط نیست خریدار در تلاشی که برای انجام تشریفات قراردادی معمول می‌دارد، لزوماً به نتیجه نایل شود. عدم حصول نتیجه در صورت انجام تشریفات مورد نیاز، تخلف از قرارداد به حساب نمی‌آید. خریدار مکلف است تلاش توأم باحسن نیتی را مبذول دارد تا لوازم اجرای تعهدات ناشی از قرارداد را فراهم آورد، و نمی‌تواند به

131. *Id.* Art. 59.

132. *Id.* Art. 60(a-b).

۱۳۳. ماده ۵۴ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «تعهد خریدار دائر به تأدیه ثمن شامل انجام اقدامات و متابعت از تشریفات نیز می‌گردد که به‌موجب قرارداد یا هرگونه قوانین و مقررات لازم است رعایت شود تا پرداخت ثمن ممکن گردد».

134. OGH, 10 Ob 518/95, Feb. 6, 1996, (Aus.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/960206a3.html>;

همچنین رک.

Bezirksgericht der Saane, T 171/95, Feb. 20, 1997, (Switz.); ICC Arbitration Case No. 7197/1992, J. Du Droit Int'l 1028-37 (1993).

135. ICC Arbitration Case No. 7197/1992, J. Du Droit Int'l 1028-37 (1993).

در ضمن، ماده ۵۴ کنوانسیون فروشنده را ملزم نمی‌داند که انجام تشریفات قراردادی را از خریدار تقاضا نماید. برای دیدن این معنا رک.

Arbitration Court of the Chamber of Commerce and Indus. of Budapest, VB 94124, Nov. 17, 1995, (Hung.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/951117h1.html>.

همچنین رک.

Trib. of Int'l Commercial Arbitration at the Chamber of Commerce & Indus., 123/192, Oct. 17, 1995, (Russ.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/951017r1.html>.

عدم اقدام خود به عنوان عذری برای عدم حصول نتیجه استناد کند.^{۱۳۶} فروشنده نباید مانع تلاش‌های خریدار جهت رعایت این تشریفات گردد.^{۱۳۷}

۲- تعیین ثمن: بررسی ماده ۵۵ کنوانسیون^{۱۳۸}

دادگاه‌های داخلی در آرای خود به دو موضوع که براساس ماده ۵۵ کنوانسیون مطرح می‌گردد، پرداخته‌اند. نخستین بحث عبارت است از اینکه آیا خودداری طرفین از تعیین ثمن مانع تشکیل قرارداد می‌شود یا خیر؛ و بحث دیگر شمارش عواملی است که در تعیین «ثمنی که به‌طور معمول در زمان انعقاد قرارداد برای کالای موضوع بیع، در شرایط مشابه در تجارت مورد نظر، مطالبه می‌شود» به کار می‌آید.^{۱۳۹} در خصوص موضوع نخست، ظاهراً ماده ۵۵ متعارض با اصول شناخته شده حقوق قراردادها در عده زیادی از کشورها است که به‌منظور تشکیل قرارداد به‌نحو صحت تعیین ثمن معلوم و معینی را لازم می‌شمارند.^{۱۴۰} یکی از روش‌های حل تعارض مزبور آن است که صرفاً پس از احراز اینکه قرارداد [براساس حقوق داخلی] به‌نحو صحیح منعقد شده است، ماده ۵۵ کنوانسیون را به‌موقع اجرا گذاریم.^{۱۴۱}

با وجود این، همان‌طور که پروفیسور شلستریم خاطر نشان نموده است لزوم تفسیر مضیق مقررات کنوانسیون در خصوص تشکیل قرارداد ایجاب می‌نماید که ثمن، معین یا قابل تعیین

۱۳۶. به‌عنوان نمونه رک.

Trib. of Int'l Commercial Arbitration at the Chamber of Commerce & Indus., 123/192, Oct. 17, 1995, (Russ.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/951017r1.html>.

(در دعوی فوق، دیوان داورى تجارى بین‌المللى وابسته به اتاق بازرگانى و صنایع فدراسیون روسیه رأی داد: خریدار روسی نمی‌تواند نداشتن نقدینگی را به‌عنوان عذر موجهه عدم موفقیت در گشایش اعتبار اسنادی، مستند قرار دهد).

137. OGH, 10 Ob 518/95, Feb. 6, 1996, (Aus.) available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/960206a3.html>.

(در دعوی فوق، خودداری فروشنده آلمانی از تعیین بندر مبدأ [بارگیری] کالا، باعث شد خریدار اتریشی نتواند [به نفع فروشنده] اعتبار اسنادی افتتاح نماید).

۱۳۸. ماده ۵۵ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «در فرضی که قرارداد به‌نحو صحت منعقد شده است، لیکن ثمن صریحاً یا ضمناً تعیین نشده یا سازوکاری جهت تعیین آن مورد توافق قرار نگرفته است، در صورت فقدان قرینه‌ای برخلاف آن، فرض می‌گردد متعاقدين به‌طور ضمنی ثمنی را منتظر داشته‌اند که به‌طور معمول در زمان انعقاد قرارداد برای کالای موضوع بیع، در شرایط مشابه در تجارت مورد نظر، مطالبه می‌شود».

139. CISG, *supra* note 1, art. 55.

140. Monica Kilian, CISG and the Problem with Common Law Jurisdictions, 10 J. Transnat'l L. & Pol'y 217, 236 (2001);

همچنین رک.

Arthur Rosett, Critical Reflections on the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, 45 Ohio St. L.J. 265, 289 (1984).

141. Schlechtriem, Uniform Sales Law, *supra* note 47, at 80.

باشد.^{۱۴۲} براساس این نظر، «همچنان تعارض بین الزام به وجود ثمن معین یا قابل تعیین... از یک سوی، و امکان تعیین ثمن پس از انعقاد قرارداد از سویی دیگر وجود دارد».^{۱۴۳} پروفیسور شلستریم برآن است که این تعارض را می‌توان بدین‌سان حل نمود که اصطلاح «صحت» را در ماده ۵۵ ناظر به کلیه شرایط صحت قرارداد بجز تعیین ثمن تفسیر نماییم، اگرچه این تفسیر مقبول بسیاری از کشورها نمی‌باشد.^{۱۴۴} چنانچه این تفسیر پذیرفته شود، «ایجابی که از حیث ثمن مجهول و نامعین است، در این صورت... این‌گونه تفسیر می‌گردد که ایجاب مزبور به‌طور ضمنی به ثمنی راجع است که معمولاً برای چنین کالایی پرداخت می‌شود».^{۱۴۵}

تفسیر دیگر آن است که براساس کنوانسیون، عدم تعیین ثمن مانع تشکیل قرارداد به‌نحو صحت نیست، بلکه ماده ۵۵ به‌عنوان حکمی عمل می‌نماید که در صورت سکوت متعاملین در خصوص ثمن، قرارداد را تکمیل می‌کند.^{۱۴۶} در توجیه این تفسیر گفته شده است که تفسیر مزبور موافق ارزیابی قصد متعاقدين براساس فعل ایشان بوده، و با حمایت از اعتماد مشروع متعاقدين، عدم تأیید تفاسیر حقوقی صرف از کنوانسیون، و «اصل لزوم حفظ و بقای قرارداد که بر کل کنوانسیون سایه افکنده» همسو و سازگار است.^{۱۴۷}

آرای دو دادگاهی که به این موضوع اشاره کرده‌اند، نمایانگر تناقضاتی است که در ماده ۵۵ کنوانسیون وجود دارد. در مورد نخست، در دعوی که راجع به فروش پوست چین‌چیلای توسط فروشنده‌ای آلمانی به خریداری اتریشی بود، دیوان عالی اتریش رأی داد اینکه در قرارداد متعاقدين برای پوست موضوع بیع برحسب اوصاف و کیفیت پوست، ثمن متغیر و در نوسان تعیین کرده‌اند، به تشکیل قرارداد لطمه‌ای نمی‌زند.^{۱۴۸} دیوان در اسباب موجهه رأی اعلام داشت که براساس ماده ۵۵ کنوانسیون چنانچه متعاقدين در قرارداد صریحاً یا ضمناً ثمن معینی را مقرر نمی‌کردند، دادگاه می‌توانست استنباط نماید که متعاقدين به‌طور ضمنی بر «نرخ‌ی که در بازار متعارف است» توافق کرده‌اند.^{۱۴۹} دیوان به‌خصوص متذکر شد که متبایعین به قیمتی که دادگاه نخستین در رسیدگی بدوی به دعوا به میزان پنجاه مارک آلمان برای هر تخته پوست مقرر

142. *Id.*

143. *Id.*

144. *Id.* at 80, n.319.

145. *Id.*

146. Phanesh Koneru, The International Interpretation of the U.N. Convention on Contracts for the International Sale of Goods: An Approach Based on General Principles, 6 *Minn. J. Global Trade* 105, 148 (1997).

147. *Id.* at 149.

148. M. v. K., Oberster Gerichtshof, SZ 67/197 (Aus. 1994).

149. *Id.*

نموده، اعتراضی نکرده‌اند.^{۱۵۰} بدین‌سان، دیوان معتقد بود ثمن آنقدر معین است که قرارداد تشکیل شود و اعمال ماده ۵۵ کنوانسیون را غیرضرور تشخیص داد.^{۱۵۱} برعکس، دیوان داوری تجاری بین‌المللی وابسته به اتاق بازرگانی و صنایع فدراسیون روسیه رأی داده است چنانچه متعاملین به‌طور ضمنی اعلام کرده باشند که در خصوص ثمن درآینده توافق خواهند کرد، ماده ۵۵ کنوانسیون قابل اعمال نیست.^{۱۵۲} عدم موفقیت در توافق بعدی متعاملین در خصوص ثمن به اساس معامله باز می‌گردد و به بیان دقیق‌تر مانع تشکیل قرارداد است.^{۱۵۳}

موضوع دیگری که دادگاه‌های داخلی در خصوص ماده ۵۵ بدان پرداخته‌اند، بررسی عواملی است که در مقام تعیین «ثمنی که به‌طور معمول در زمان انعقاد قرارداد برای کالای موضوع بیع، در شرایط مشابه در تجارت مورد نظر، پرداخت می‌شود» مدنظر قرار گرفته است.^{۱۵۴} بدو لازم به ذکر است که حداقل یکی از دادگاه‌های داخلی رأی داده است در صورتی که متعاقدين باوجود اینکه قصد دارند کنوانسیون در کلیت خود حاکم بر قرارداد باشد، برخلاف ماده ۵۵ توافق نمایند، توافق ایشان مقدم بوده و رجوع به نرخ بازار برای تعیین ثمن نادیده گرفته می‌شود.^{۱۵۵} براساس این رأی، متعاقدين می‌توانند هر تعداد عواملی را که خواستند جهت تعیین ثمن مورد استفاده قرار گیرد، در قرارداد خود فهرست نمایند. از جمله عوامل قابل قبولی که در این فهرست می‌توان گنجانند، محدوده قیمت‌ها و حداقل و حداکثر قیمتی است که متعاملین در مورد کالای مورد نظر، مقرر کرده‌اند، و همچنین راهنمای قیمت‌های مخصوص هر کالا است که برحسب کیفیت و اوصاف کالا تعیین می‌شود.^{۱۵۶} عامل مهم دیگر در این خصوص، عدم اعتراض خریدار ظرف «مهلت کوتاهی» نسبت به قیمتی است که در صورت حساب تجاری صادره از سوی فروشنده قید شده است.^{۱۵۷} در مورد اخیر، دادگاه‌های داخلی چنین تلقی می‌کنند که موافقت خریدار با ثمن مذکور در صورت حساب تجاری صادره از سوی فروشنده، به‌مثابه موافقت با همان

150. *Id.*

151. *Id.*

152. Trib. of Int'l Comm. Arbitration at the Chamber of Commerce & Indus., n. 304/1993, Mar. 3, 1995 (Russ.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/950303r1.htm>.

153. *Id.*

154. CISG at Art. 55.

155. *Entreprise Alain Veyron v. Societe Ambrosio, CA Grenoble, Cass. Com., Apr. 26, 1995 (Fr.)*, available at <http://witz.jura.uni-sb.de/CISG/decisions/2604952v.htm>.

۱۵۶. به‌عنوان نمونه رک.

M. v. K., Oberster Gerichtshof, SZ 67/197 (Aus. 1994).

157. C. v. W., Bezirksgericht St. Gallen, SZIER 84-85 (Switz. 1998).

(در دعوی فوق، قرارداد که به‌طور شفاهی منعقد شده بود، راجع به فروش منسوجات توسط فروشنده‌ای هلندی به خریداری سوئیسی بود).

ثمنی است که مطابق ماده ۵۵ به‌طور معمول برای مبیع در شرایط مشابه در تجارت مورد نظر، پرداخت می‌شود.^{۱۵۸}

۳- مکان تأدیه ثمن: بررسی ماده ۵۷ کنوانسیون^{۱۵۹}

دادگاه‌هایی که به تفسیر ماده ۵۷ کنوانسیون پرداخته‌اند، توجه خود را به دو مسئله معطوف داشته‌اند. این دو مسئله عبارتند از اینکه آیا ماده ۵۷ نسبت به خواننده دعوا به دادگاه‌های داخلی جهت رسیدگی به دعوا صلاحیت اعطاء می‌کند یا خیر، و موضوع دیگر مسئله صحت شرط انتخاب دادگاه صالح به‌منظور ممانعت از اعمال صلاحیت شخصی فوق‌الذکر است. این مسئله که آیا ماده ۵۷ کنوانسیون صرف نظر از قوانین ملی مُعطی صلاحیت به دادگاه‌های داخلی جهت رسیدگی به دعاوی راجع به پرداخت ثمن می‌باشد یا خیر، هنوز به پاسخی نینجامیده است. آرای قضایی که دادگاه محل تجارت فروشنده را در فرضی که این محل در درون مرزهای ملی دادگاه رسیدگی‌کننده بوده است، صالح اعلام کرده، چندان اندک نیستند.^{۱۶۰} مع‌ذک، هیچ یک از آرای مزبور صریحاً اعلام نکرده است که ماده ۵۷ کنوانسیون به‌نحو مستقل و جدای از قوانین داخلی مُعطی صلاحیت به دادگاه محل تجارت فروشنده است. بدین لحاظ، تفسیر بهتر آن است که بگوییم ماده ۵۷ کنوانسیون نتیجه‌ای را که براساس قوانین داخلی راجع به آیین دادرسی و صلاحیت دادگاه‌ها به‌دست آمده، بالاخص این نتیجه را که در صورت فقدان شرط خلاف در قرارداد، دادگاه محل تجارت یا محل سکونت عادی فروشنده برای رسیدگی به کلیه دعاوی راجع به پرداخت ثمن صالح است، مورد تأکید قرار می‌دهد. این موضوع نهایتاً بی‌اهمیت به‌نظر خواهد آمد اگر این ماده با لازم دانستن اینکه دعاوی ناشی از پرداخت ثمن در دادگاه‌های داخلی

158. *Id.*

۱۵۹. ماده ۵۷ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «(۱) چنانچه خریدار ملتزم به تأدیه ثمن در محل مشخص دیگری نباشد، مکلف است ثمن را:

الف - در محل تجارت بایع، به وی تأدیه کند؛ یا

ب - اگر تأدیه ثمن باید در مقابل تسلیم کالا یا تحویل اسناد انجام‌گیرد، در محلی که تسلیم کالا یا تحویل اسناد صورت می‌گیرد، ثمن را به بایع تأدیه نماید.

(۲) هرگونه افزایش هزینه که لازمه تأدیه ثمن بوده، و ناشی از تغییر در محل تجارت فروشنده پس از انعقاد قرارداد بیع می‌باشد، برعهده فروشنده است».

۱۶۰. به‌عنوان نمونه رک.

SA Mo. v. SA Ma., Trib. de Commerce, Charleroi, A 2000/01451, Oct. 20, 2000, (Belg.), available at <http://www.law.kuleuven.ac.be/int/tradelaw/WK/2000-10-20.htm>; Silver Int'l v. Pochon Tissage, S.A., Rechtbank van Koophandel, Kortrijk, A.R. 651/97, June 27, 1997, (Belg.), available at <http://www.law.kuleuven.ac.be/int/tradelaw/WK/1997-06-27.htm>; Dänisches Bettenlager & Co. v. Forenede Factors, Østre Landsret [Eastern Appellate Court] København (ØLK), B-3112-95, Jan. 22, 1996, (Den.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/960122d1.html>.

محل تجارت فروشنده مورد رسیدگی و اتخاذ تصمیم قرار گیرد، ما را به همان نتیجه‌ای رهنمون شود که قواعد داخلی ناظر به صلاحیت به دست می‌دهد.

قطع نظر از راه حل نهایی مسئله فوق‌الذکر، به صلاح طرفین است و به ایشان توصیه می‌شود در قرارداد بیعی که مشمول کنوانسیون است، خود به انتخاب دادگاه صالح مبادرت کنند. برخلاف بسیاری از مقررات دیگر کنوانسیون، در خصوص صحت و نفوذ شرط انتخاب دادگاه صالح و تأثیری که این انتخاب بر اعمال ماده ۵۷ کنوانسیون دارد، میان دادگاه‌های داخلی اتفاق نظر کلی دیده می‌شود. این آراء به نحو یکسان بر این راه رفته‌اند که دادگاه می‌بایست در صورت فقدان شرط خلاف در قرارداد بیع، مقررات ماده ۵۷ را در خصوص محل حل و فصل اختلاف به موقع اجرا گذارد.^{۱۶۱}

به منظور آنکه شرط انتخاب دادگاه صالح جایگزین اعمال ماده ۵۷ کنوانسیون شود، طرفین باید از الزامات و مقررات آمره‌ای که دادگاه‌های داخلی مقرر داشته‌اند، تبعیت کنند. شرط انتخاب دادگاه صالح باید صریح باشد.^{۱۶۲} رویه گذشته متعاملین در قراردادهای سابقشان را نمی‌توان مفید این معنا (انتخاب دادگاه صالح) پنداشت.^{۱۶۳} افزون بر این، در صورت فقدان قصد صریح متعاقدين، ذکر حساب بانکی و سایر روابط تجاری در کشوری غیر از کشوری که کالا در آنجا تسلیم می‌شود، شرط انتخاب دادگاه صالح به شمار نمی‌آید.^{۱۶۴} النهایه، عرف تجارت مورد نظر نیز

۱۶۱. به عنوان نمونه رک.

SA Mo. v. SA Ma., Trib. de Commerce, Charleroi, A 2000/01451, Oct. 20, 2000, (Belg.), available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/960206a3.html>; BJR Trading v. Ekasa, Østre Landsret [Eastern Appellate Court] København (ØLK), B-1145-00, Dec. 4, 2000, (Den.), available at <http://www.cisgdk/0ld04122000danskversion.htm>; Sodime-La Rosa SARL v. Softlife Design Ltd., CA Paris, 1e ch., Oct. 15, 1997, (Fr.), available at <http://wiz.jura.uni-sb.de/CISG/decisions/151097v.htm>.

162. Silver Int'l v. Pochon Tissage, S.A., Rechtbank van Koophandel, Kortrijk, A.R 651/97, June 27, 1997, (Belg.), available at <http://www.law.kuleuven.ac.be/int/tradelaw/WK/1997-06-27.htm>.

163. Corte Suprema di Cassazione, Sez. Un. [Supreme Court], n.7759, Aug. 7, 1998, (It.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/980807i3.html>.

همچنین رک.

HG Zürich, 980280.1, Apr. 8, 1999, (Switz.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/990408s1.html>; Zivilgericht Kanton Basel-Stadt, P4 1996/00448, Dec. 3, 1997, (Switz.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/971203s2.html>.

164. HG Zürich, 980280.1, Apr. 8, 1999, (Switz.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/990408s1.html>.

همچنین رک.

Zivilgericht Kanton Basel-Stadt, P4 1996/00448, Dec. 3, 1997, (Switz.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/971203s2.html>.

❖ ۲۲۹ تعهدات خریدار در بیع بین‌المللی...

در اکثر موارد نمی‌تواند معادل شرط انتخاب دادگاه صالح باشد.^{۱۶۵} چنین عرفی صرفاً در صورتی معرف انتخاب دادگاه صالح خواهد بود که در تجارت مشهور باشد تقبل اعمالی از سوی متعاملین همواره به معنای انتخاب مرجعی غیر از مرجع مقرر در ماده ۵۷ به عنوان مرجع انحصاری حل و فصل اختلافات فی مابین متعاملین می‌باشد.^{۱۶۶}

۴- زمان پرداخت ثمن: بررسی ماده ۵۸ کنوانسیون^{۱۶۷}

دادگاه‌هایی که به تفسیر ماده ۵۸ کنوانسیون پرداخته‌اند به شناسایی و تعیین اسناد مثبت استیلاء بر کالا توجه خاصی نموده‌اند. استادان در مقام تفسیر ماده ۵۸ به اختلاف نظرها و تردیدی که در خصوص تعیین دقیق این اسناد وجود دارد، اشاره کرده‌اند. یکی از نویسندگان بر آن است که این عبارت بسیار کلی می‌باشد و لزوماً منحصر به اسناد مالکیت قابل معامله (بارنامه دریایی) نیست،^{۱۶۸} بلکه سایر اسناد مانند بیمه‌نامه یا گواهی مبدأ ساخت، نیز ممکن است مرتبط با کالا بوده، و بر حق خریدار دائر بر تسلّم کالا تأثیر می‌گذارد.^{۱۶۹} در این موارد، تحویل اسناد مزبور نیز باید بخشی از تعهدات مورد اجرای فروشنده باشد تا تعهد پرداخت ثمن از سوی خریدار لازم‌الوفاء شود.^{۱۷۰} برعکس، در صورت خودداری فروشنده از تحویل سایر اسنادی که دارای اهمیت کمتری در اجرای معامله است، خریدار کماکان ملزم به تأدیه ثمن خواهد بود.^{۱۷۱} مع‌هذا، در این صورت خریدار حق خواهد داشت از دادگاه داخلی صالح ضمانت‌اجراهای حقوقی یا ضمانت‌اجراهای مبتنی بر انصاف، مانند الزام به انجام عین تعهد را علیه فروشنده بخواهد.^{۱۷۲}

با توجه به آرای که تاکنون بررسی نمودیم روشن می‌شود که در صورت فقدان شروط خاصی در قرارداد که موعدی را برای تأدیه ثمن توسط خریدار معین نماید، ثمن به محض تسلیم

165. Zivilgericht Kanton Basel-Stadt, P4 1996/00448, Dec. 3, 1997, (Switz.), available at [http:// cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/971203s2.html](http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/971203s2.html).

166. *Id.*

167. ماده ۵۸ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «(۱) چنانچه خریدار ملتزم به تأدیه ثمن در موعد معینی نباشد، مکلف است هنگامی که بایع کالا یا اسناد مثبت استیلاء بر کالا را مطابق قرارداد و مقررات این کنوانسیون، در اختیار وی قرار می‌دهد، ثمن را تأدیه نماید. بایع می‌تواند تسلیم کالا یا تحویل اسناد را منوط به تأدیه ثمن نماید.

(۲) چنانچه قرارداد متضمن حمل کالا نیز باشد، بایع می‌تواند کالا را بنا بر این شرط ارسال کند که کالا یا اسناد مثبت استیلاء بر آن، صرفاً در مقابل تأدیه ثمن به خریدار تسلیم (تحویل) شود.

(۳) خریدار تازمانی که امکان بازرسی کالا را نیابد، ملزم به تأدیه ثمن نیست مگر اینکه نحوه تسلیم مبیع یا تأدیه ثمن که مورد توافق متعاملین قرار گرفته است، با امکان بازرسی کالا منافات داشته و قابل جمع نباشد».

168. Schlechtriem, Uniform Sales Law, *supra* note 47, at 81 n. 327.

169. *Id.*

170. *Id.*

171. *Id.*

172. *Id.*

مبیع قابل مطالبه است.^{۱۷۳} وانگهی، علی‌الاصول اسناد مثبت استیلاء بر کالا باید توسط شخصی تهیه شود که عهده‌دار صادرات کالا است.^{۱۷۴} شایان ذکر است که شخص مسئول صادرات کالا لزوماً در تمام موارد به فروشنده اشاره ندارد؛^{۱۷۵} بلکه در یک دعوی که به این بحث پرداخته شده، دادگاه رأی داده است که فروشنده صرفاً در صورتی مسئول تهیه اسناد گمرکی است که قرارداد بیع چنین مقرر داشته باشد.^{۱۷۶} فقدان رویه قضایی تکامل‌یافته‌ای در خصوص این موضوع احتمالاً حکایت از آن دارد که اختلاف نظر و تردید در این باره بیشتر دارای صبغه نظری است تا اختلاف و تردیدی که موجد مشکلات عملی برای تجاری باشد که در بازار جهانی فعالیت دارند.

۱۷۳. به‌عنوان نمونه رک.

Kanton St. Gallen, Gerichtskommission Oberrheintal, OKZ 93-1, June 30, 1995, (Switz.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/950630s1.html>.

(در دعوی فوق، دادگاه رأی داد: خریدار مکلف بوده به‌محض تسلیم و نصب درب‌ها در تشکیلات متعلق به او، ثمن را به باع بپردازد).

۱۷۴. به‌عنوان نمونه رک.

Kantonsgericht [KG] St. Gallen [District Court], 3 ZK 96-145, Aug. 12, 1997, (Switz.), available at <http://cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/970812s1.html>.

(در دعوی فوق، دادگاه ادعای خریدار را نپذیرفت. در این دعوا، خریدار مدعی بود باتوجه به آنکه فروشنده اسناد لازم جهت ترخیص کالا از گمرک را اخذ نکرده است، وی ملزم به تأدیه ثمن نمی‌باشد).

175. *Id.*

176. *Id.*

❖ ۲۳۱ تعهدات خریدار در بیع بین‌المللی...